



واگر آن ها زیاد حرف بزنند آن وقت بندهم زیاد حرف خواهم زد بنا براین بقیه عرایض را برای بعد میگذارم و بعلوه بنده همیشه کوشش میکنم که عرایض بدون حشو و زوائد باشد آقای داور اظهار کردند که بیانشان در این ماده از دو حیث است یکی از حیث رعایت سابقه مستخدمین و یکی از این حیث که نباید حمله به مستخدمین پشت میزشین کرد و باید احقاق حق آن ها بشود بنده منکر هیچیک از این دو اصل نیستم و اصل علت وضع قانون استخدام برای رعایت همین دو اصل بود و البته وضع هر قانونی یک وجهی و یک علی میخواید در مجلس چهارم که این قانون استخدام با سلام و صلوات در تحت احکامات عمومی وضع شد علت عمده اش این بود که آن وضعیت اسف آورده مستخدمین دولتی تبدیل شود بیک صورت اطمینان بخش و همه آقایان میدانند که وضعیت مستخدمین دولتی تا قبل از قانون استخدام به چه متوال بود هر کسی یارتی داشت زود تفرقی میکرد و هر کس یارتی نداشت میبایست در همان مرحله بماند و اولی بماند **یکتفر از نمایندگان** - حالا هم همینطور است **قدین** - حالا من قبل را عرض می-کنم و الان هم کسانی که شامل خیلی از مقامات و مستخدمین دولتی میشود را پیدا کرده بودند هر وزیر و هر رئیس اداره که میآمد یکی از کارهایش این بود که نقل و انتقال و بالاخره عزل و انقضاء را قائل میشد و همیشه رتبه مستخدمین و میزان حقوق آن ها غیر ثابت بود بنا براین این دلالت و علل ایجاد کرد وضع قانون استخدام را ناینگرید و حقوق مستخدمین محفوظ بماند و اصلاً این قانون وضع شده است برای رعایت این دو اصل و بنده شخصاً عقیده دارم که همیشه باید طرفدار حق و عدالت بود خواه طرفش ضعیف باشد خواه قوی رتبه مقدمه که اگر ضعیفی بخواهد زور بگیرد نباید از او شنید و همینطور یک قوی هم اگر بخواهد زور بگیرد نباید شنید و باید نظر عدالت در تفاوت داشت و حق با هر کس بود باید طرفداری از حق کرد بنا براین اگر حق با مستخدمین است باید از آن ها ماطرفداری کرد ولی مخالفت بنده از این حیث است که این قانون استخدام بطور تبعیض جاری شده است و بنده مخالفان بندهم بندهم قانون استخدام حق داده است به هر کس که ست استخدام رسمی داشته باشد

و هر کس مستخدم رسمی دولت باشد باید مطابق این قانون با او رفتار کرد خواه این شخص رئیس اداره باشد خواه مدیر کل خواه منشی خواه ثبات و خواه عضو مالیه باشد خواه یست و تلگراف و خواه عدلیه هیچ فرقی نمی کند برای اینکه این قانون وضع شده است برای کلیه مستخدمین کشوری و بنده هیچ فرقی نمی گذارم ما بین مؤسسات دراتی برای اینکه هر اداره در محل خودش بمنزله یک بیج و ماشینی است ولی این قانون استخدام از حیث اجراء تبعیض شده است و بنده باتبیض مخالفم و یکی از علل تنظیم این ماده چهارده (که در موقوفش عرض خواهم کرد) برای دفع تبعیض است که اجراء قانون استخدام در تمام وزارتخانه ها شامل میشود حالا آقایان وزراء هم تشریف دارند و در حضور خود این آقایان عرض میکنم (اگر چه این قانون در پارسل اجراء شده است و مربوط به آقایان حاضر هم نیست) اما بیانات آقای حاجز العمالک مبهرمانند این ماده برای چه اینجا آمد و چه نلسفه داشته است حق نداشته اند و میبایست در ضمن اجراء قانون استخدام باشد بنده عرض میکنم اینطور نیست در قانون بودجه در ماده شصت و پنج نظامنامه یک جاهای معین و موارد خاص را پیش بینی کرده است و میگوید هر چه طرحی را که مستلزم از دیاد مقرر می باشد معاش یا وظیفه باشد بتوان اصلاح و یا بعنوان ماده الحاقیه نمیتوان پیشنهاد کرد و غیر از آن هر طرحی هر اصلاحی و هر ماده الحاقیه را میشود جزو قانون بودجه کرد و چون این ماده مؤثر در بودجه است و مؤثر در مالیه مملکت میباشد و مشمول آن ماده شصت و پنج نظامنامه هم نیست (که بعد یک ماه علیحدت پیش بینی شود) جایش همین جا است تغییر هم نیست و بعد هم عرض خواهم کرد که تفسیر نیست و خودتان هم تصدیق خواهید نمود که اسباب اشکان نمیشود اینکه فرمودید منشی اول و دوم و سوم در وزارتخانه ها معمول نبوده است اینطور نیست چندین سال است که در وزارتخانه ها منشی اول و دوم و سوم و ثبات و ضابط و دفتر دار هست و در ابتدای دور چهارم هم که بنده در اینجا بودم و سایر آقایان هم تشریف داشتند بودجه های تفصیلی سه ایتهیل را که آوردند تمام این اسامی در آنجا بود و این یک اصل تازه نیست هفت هشت ده سال است که این ترتیب

معمول است و اما اینکه میفرمائید مواجب زیادی درست کاری می آورد این اصل تمامیت ندارد در بعضی از مزاج ها مؤثر میشود ولی در بعضی از مزاج ها هم مؤثر نیست برای اینکه ما میبینیم خیلی اشخاص هستند مواجب خیلی خوب میگیرند **حائز رتبه** - دزدی هم خیلی خوب میکنند **قدین** - حالا آن قسمت را بنده میادرت نمیکنم بسیار از اشخاص هستند خیلی متولند ولی قبول موجب درستکاری و هم طمع آن ها نیست و بالاخره بطور کلی مؤثر نیست ولی ممکن است یکتفر مستخدمی که زحمت کشیده و حقیقتاً امین و درستکار است پس از احرار این مقامات قطعاً باید با مواجب کافی داد اما قبلاً مواجب در دست کاری کسی نمیشود حالا بر میگردم اصل ماده چهارده این ماده میگوید کلیه وزارتخانه ها مکلف خواهند بود که بودجه تفصیلی خود را با در نظر گرفتن اصول ذیل از اول میزان هفده البته سیچقان ذیل ۱۳۰۲ تهیه نمایند ۱ - مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری سی تومان و مقرری رتبه اول قضاة چهل تومان ۲ - ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضاة از اول حمل تنگوز ذیل ۱۳۰۲ ج - مقرری کلیه مستخدمین کشوری و قضاة در حدود حداقل میزان مقرری آن رتبه (در این ماده چهارده چهار مطلب را متعرض شده است اول مقرری رتبه اول مستخدمین و مقرری رتبه اول قضات دوم ابتدای رتبه ها سوم حداقل میزان مقرری هر رتبه چهارم از اول میزان هفده البته یکی از علل پیشنهاد و تنظیم این ماده این است که این بودجه که آن آن مطرح است بودجه اعتباریست اما چکی نیست اعتباری مقید است بعتیده بنده اعتباری بردو قسم است یک قسمش عبارت از این است که وزراء و مسئولین مطلق العنان و مطلق البد باشند و هر چه می خواهند بکنند اما بنده این قسم بودجه اعتباری را تصدیق نمیکنم این بودجه اعتباریست باین معنی که صورت جزء تفصیلی را بیاورند ولی در حدود قسوتین موضوعه یعنی در حدود قانون استخدام و موادی که مرتبط به تنظیم بودجه است بنا براین این قسمت ها چون مربوط به بودجه تفصیلی است از این جهت در اینجا ذکر

شده است و اینکه بعضی ها میگویند این بودجه اعتباری است بلی اعتباری هست اما بودجه مطلق و چکی نیست که هر طور دلشان می-خواهد ولو برخلاف قوانین موضوعه هم باشد - (خدای نخواست) بودجه بنویسند و حالا وارد می شوم در جزء اول که چرا در اینجا مقرری رتبه ها معین شده است برای این است که در قانون بودجه و همچنین در قانون استخدام قبده شده است که مقرری رتبه اول باید در بودجه ذکر شده باشد در این یک اصلی است که تکلیف وزارت مالیه و سایر آقایان در امر آن معلوم میکند و اگر در اینجا ذکر شود ممکن است فردا بروند بیست و پنج تومان بیاست و هشت تومان معین بکنند و بعد هم بگویند شام بودجه اعتباری داد بودید این ترتیب برای این است که در آتیه اعتراض واقع نشود و اما چرا سی تومان شد ؟ این را چون در یکی از جلسات اینجا عرض کردم لذا دیگر تکرار نمی کنم و فقط بطور خلاصه عرض می کنم بنده از آنکه از بودجه های وزارتخانه ها یعنی از وزارت عدلیه و وزارت امور خارجه کم شد (چنانچه در این رتبه هم ملاحظه میفرمائید) برای اینکه وزارتخانه ها مصادف نشوند با حذف بعضی از مؤسسات و برای اینکه بر عهده بیکارن و منتظرین خدمت افزوده نشود و یک عده را بیرون نکنند آمدم گفتیم دو تومان از حد اقل کسرمی کنیم (یعنی از رتبه ثبات) و این عمل تأثیر میکند در این موضوع و هر چه از این باب زیاد بیاید تکافوء میکند با کسر بودجه و با موافقت خود دولت این کار را کردیم ولی بعد در جلسات دیگر هیئت دولت پیش نهاد کرد و گفتند حقوق ثبات سی و دو تومان و حقوق قضاة همان چهل و پنج تومان و آن محظور موضوع ندارد ما هم که مدعی نبودیم یا کسی قبول کردیم کمیسیون بودجه هم بر روی همان اصل بودجه را تصویب کرد ولی مذلک این چهل و پنج تومان وسی و دو تومان تأثیری نکرد در آن مقصودی که ما داشتیم مقصود ما این بود که مؤسسات حذف نشود و از مستخدمین بتوان منتظرین خدمت کسی را بیرون نکنند ولی متأسفانه این عمل جریان پیدا کرده است و یک قسمش در وزارت عدلیه است که در اول جلسه آقای یاسانی اظهار داشتند که صد و چهل و چند نفر برای اینکه بودجه کفایت نمی کند

در تمام ولایات و ایالات از ثبات و منشی و قاضی و غیره را کسر کرده اند - حالا این را اینجا را داشته باشید که یک عده بر بیکارن مملکت افزودیم و اسشان هم منتظر خدمت است ولی حقوق چه عرض کنم شاید برای بودجه سال آتیه منظور شود - این یک فلسفه بود - ما مقصودمان این بود که این مستخدمین که هستند باشند و سکنه بکسی وارد نشود منتهی یک مبلغ کمی در تومان ارباب آتیم از اول میزان که شش ماهه آن می شود دوازده تومان گفتیم کم کنند زیرا دوازده تومان را در ظرف شش ماه ثبات می توانه بدست که در عوضش یک ثبات دیگری بی کار نشود ولی ملی اجمال مادر آن قسمت خرجی نداریم و رتبه اول اصلاح شده است و مثل سال گذشته ثبات سی و دو تومان و قضات چهل و پنج تومان بگیرند - حالا بر میگردیم ب قسمت (ب) ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضات از اول حمل تنگوز ذیل ۱۳۰۲ آنهایی که در کمیسیون بودجه هستند و همینطور آقایانی که در این مجلس سمت عضویت دارند و آنهایی که در بیرون هستند در سهم خودشان موظفند که قوانین موضوعه را اجراء کنند پس بنا بر این بنده اگر در کمیسیون بودجه باشم یا اینجا باشم اول نظر بنده و همه آقایان باید این باشد که قانون اجراء شود و هر جا که دیدیم قانون درست اجراء نشده است باید اخطار کنیم و تذکره بدهیم ماده ۶۶ که محل بحث است میگوید مستخدمین که در تاریخ شروع اجراء این قانون مشغول خدمت هستند و با داشتن سابقه خدمت شافل یکی از مقامات مندرجه در ماده ۶۳ میباشد مستخدم رسمی محسوب و موافق تشکیلات اداری هر وزارت خانه مشاغل آنها با مراتب منظوره در ماده ۱۵ این قانون تطبیق و از آن قرار با آنها رفتار خواهد شد مشروط بر اینکه تاریخ ورود به خدمت آنها قبل از اول میزان ۱۳۰۹ بوده باشد این ماده سه قسمت تجزیه می شود یک قسمت راجع است باینکه کیها مستخدم رسمی هستند و این در قسمت اولش است که میگوید مستخدمینی که در تاریخ شروع اجراء این قانون مشغول خدمت هستند با داشتن سابقه خدمت شافل یکی از مقامات مندرجه در ماده ۶۳ میباشد مستخدم رسمی محسوب - دوم راجع بشخص رتبه است که می گوید معنایش این است دیگر دو شق که بیشتر ندارد یادر تشخیص رتبه باید مبداء موافق تشکیلات اداری هر وزارتخانه

مشاغل آنها با مراتب منظوره در ماده ۱۵ این قانون تطبیق - مراتب منظوره در این قانون چه چیز است؟ مراتب در ادارات کشوری برادر ذیل است: اول - ثباتی - دوم - منشی سوم - سوم - منشی گری دوم - چهارم منشی گری اول پنجم مدیری ششم - ششم - مدیری دایره - هفتم معاونت ادارت - هشتم ریاست اداره - نهم مدیری کل یا معاونت اداری این عبارت را اگر با اصطلاح طلاب قدیم لو خبلی و طبه من حیثی نگاه کنیم و بعد یک نفری که نداند در فلان اداره مستخدم کی است بدیم ارباب عبارت چه می فهمد این عبارت صریح است که موافق تشکیلات اداری هر وزارتخانه مشاغل اشخاص باید با این مراتب نه گانه تطبیق و از آن قرار با آتیه رفتار شود و باید شغل هر کس را ببینند با کدام یک از این مراتب تطبیق میشود و یک رتبه را در نظر بگیرند و بگویند این رتبه قانونی است و سابقه خدمت هم مدخلیت ندارد و فقط مستخدم رسمی کسی است که قبل از ود ونه وارد خدمت شده است حالا آیا در بودجه های تفصیلی وزارت خانه ها اینطور شده است یا شکل دیگر ؟ اینجا یکی از دو کار میشود تصور کرد یا باید در حین اجراء قانون استخدام شغل هر مستخدمی را تطبیق کرد با یکی از این رتبه ها و گفت رتبه قانونی این است و باید این رتبه را در نظر گرفت - یعنی روزی که وارد خدمت شده و روز اول خدمت تو یازده سال قبل است یک سال مال مجانی خدمت کردت الیانی میماند چهارده سال این چهارده سال دو دو سال منشی - سوم - دو سال منشی دوم - دو سال منشی اولی این نه سال و بالاخره از رتبه یک تاریخ چهارده سال باید بیاید بعد مدیری ششم سه سال این دوازده سال - بنا براین اگر ما بخواهیم مبداء رتبه را از اول ورود به خدمت بگیریم باید بگوئیم کسی که یازده سال پیش وارد شده امروز باید مدیر دایره باشد آیا حالا هم در وزارت خانه ها اینطور شده است؟ اگر اینطور شده بندهم موافق هستم ولی آن وقت نتیجه اش این میشود که اشخاصی که شش سال قبل یا پنج سال یا قبل از نود و نه بهر شکلی که بوده است وارد شده اند و غاصباً بکس میز مدیری دایره نشسته اند حالا باید تشریف ببرند بیست میز ثباتی معنایش این است دیگر دو شق که بیشتر ندارد یادر تشخیص رتبه باید مبداء

خدمت را روز ورود به خدمت گرفت و یا باید ابتدای اجراء قانون استخدام دیگر شق ثالث ندارد و این یک مسئله علمی است و بنده هم نه برادر و نه قوم و خویشم در ادارات هست - پس اگر ابتداء مرتبه از موقع اجراء قانون استخدام است چنانکه در این قانون هم صریح است باید مطابق این قانون هر کسی را تطبیق کرد با یکی از این رتبه نه گانه و از همان رتبه مطابق سیر قانونی بالا برود و اگر غیره مفرم مبداء رتبه از سابق اشخاص را ملاحظه کنید و آن وقت یک سالش را موضوع کنید و مطابق این قانون رتبه او را معین نماید ولی حالا ما می بینیم در بودجه های تفصیلی اینکار را نکرده اند در بودجه های تفصیلی سابقه خدمت را رعایت نکرده اند و این عمل در همه جا مخصوصاً در وزارت مالیه جریان دارد و حقوق را ماخذ قرار داده اند مثل مثالهایی که خود آقای حاجز العمالک فرموده که فلان کس صد و پنجاه تومان حقوق داشت گفتیم چکار کنیم بالاش ببریم ؟ یا اینش بیاوریم ؟ یا اینش آوردیم و فلان طور شد - ولی حقوق ماخذ نیست و باید ابتدای اجراء قانون استخدام و یا موقع ورود به خدمت را ماخذ قرار دادیم مادامیکه وزارتخانه های کار را نکرده اند و تبعیض را قائل شده اند - یعنی هر کس که نفوذ داشته است آمدند اندک قام را از برایش معین کرده اند یا حقوق رتبه موقوف - حالا آن مقام را که داده اند هیچ یک مقام دیگری هم در قسمت بالا برایش قائل شده اند مثلا در وزارت مالیه هفده تا مدیر کل هست اگر ابتداء رتبه را از ابتداء ورود به خدمت بگیریم باید اینها بیست و سه سال خدمت کرده باشند تا باین مقام برسند و آیا در وزارت مالیه این هفده تا مدیر کل بیست و سه سال خدمت کرده اند ؟ بنده که گمان نمیکنم این است که قضایا را در تحت هو و جنجال انداخته اند و میگویند میخواهند مستخدمین را ذبح بکنند سه روز است بنده را بست و آوردند و اصرار میکنند که حرف زن ولی بنده حرف میزنم و حقایق را هم میگویم آنطرف است آن طرف - این طرف است این طرف - و نباید در قانون تبعیض بشود - دولت و وزارت مالیه که بودجه های تفصیلی شان را اینجا آورده اند در وزارت مالیه کاملاً حقوق را ماخذ قرار داده اند و قبل از قانون استخدام حقوق دادن مآخذ نداشت و بسته بود بد داشتن یارثی و نظریات اشخاص و یک حقوق های گزافی در وزارت مالیه هست که بیشتر آنها هم راجع است بر و ساء

و منتقدین که دوست و بندهام تومان و چهار صد تومان و از این قبیل اعداد بگیرند - علی اجمال چیزی که مورد ایراد است این است که حقوق را ماخذ تشخیص رتبه قرار دادند بنا براین ما آمدم اینجا گفتیم حالا که در وزارت خانه ها این کارها را کرده اند ما این رایشتهاد میکنیم و از دو صورت بیرون نیست و علاقه هم نداریم باین قسمت علاقه کامل مان با اجراء قانون نیست نسبت بهم و آن ثبات و ضابط و منشی نباید هجده سال در یک زاویه بمانند و آن یکی دیگر که شش سال است خدمت میکند فوراً رئیس دایره یا معاون اداره و یا رئیس شعبه بشود و این مسئله باید قطع شود نه اینکه لو بماند - این قانون معایب و مشکلات زیاد دارد ولی نظر اصلاحی که بنظر ما رسید این بود و من در این قسمت حرفه زیاد دارم ولی عجالتاً محفوظ میگذارم و بماند برای بعد - اما آمدم در قسمت مقرری مستخدمین (مقرری کلیه مستخدمین کشوری و قضات در حدود حد اقل میزان مقرری آن رتبه) در ماده بیست و سه این قانون تصریح کرده است که بعد از آنکه رتبه ها معین شد از رتبه اول تا رتبه چهارم یکی دو سال و از رتبه پنجم تا رتبه نهم هر یک سه سال بمانند و باز تصریح دارد که در سال اول هر مرتبه حداقل مقرری آن رتبه را باید داد - ولی حالا یک مراجع اجمالی باین بودجه بفرمائید (ومن تأسف میخوم که چرا مجال نشد و وضمت اجازه آنرا که بودجه های تفصیلی در اینجا بیاید) در همان سال اول که اول تنگوز ذیل است در اغلب از وزارتخانه ها مخصوصاً وزارت مالیه حد اکثر داده اند و این بر خلاف نص صریح قانونست و عبارت این است که میگوید - ممکن است از سال دوم بعد بیعضی از اشخاص تفاوت حداقل و اکثر داد آتیم مشروط بر اینکه از یک ششم مقرری تجاوز نکنند - اینجا فقط میگوید ممکن است ولی آیا این امکان با اصطلاح منطقیه یعنی امکان هام است؟ یعنی شامل هر فرد فردی می شود یا یک مرجعانی هم باید داشته باشد؟ بعقیده بنده باید یک مرجعانی هم در بین باشد - اینجا جای تشویق است - اینجا جایی است که اگر مستخدمی خوب کار کرده است باید دو سال دوم برای تشویق او یک اضافه منظور داشت در صورتی که تفاوت حداقل و اکثر در یک وزارت مالیه

هر کسی یارتی داشت زود تفرقی میکرد و هر کس یارتی نداشت میبایست در همان مرحله بماند و اولی بماند **یکتفر از نمایندگان** - حالا هم همینطور است **قدین** - حالا من قبل را عرض می-کنم و الان هم کسانی که شامل خیلی از مقامات و مستخدمین دولتی میشود را پیدا کرده بودند هر وزیر و هر رئیس اداره که میآمد یکی از کارهایش این بود که نقل و انتقال و بالاخره عزل و انقضاء را قائل میشد و همیشه رتبه مستخدمین و میزان حقوق آن ها غیر ثابت بود بنا براین این دلالت و علل ایجاد کرد وضع قانون استخدام را ناینگرید و حقوق مستخدمین محفوظ بماند و اصلاً این قانون وضع شده است برای رعایت این دو اصل و بنده شخصاً عقیده دارم که همیشه باید طرفدار حق و عدالت بود خواه طرفش ضعیف باشد خواه قوی رتبه مقدمه که اگر ضعیفی بخواهد زور بگیرد نباید از او شنید و همینطور یک قوی هم اگر بخواهد زور بگیرد نباید شنید و باید نظر عدالت در تفاوت داشت و حق با هر کس بود باید طرفداری از حق کرد بنا براین اگر حق با مستخدمین است باید از آن ها ماطرفداری کرد ولی مخالفت بنده از این حیث است که این قانون استخدام بطور تبعیض جاری شده است و بنده مخالفان بندهم بندهم قانون استخدام حق داده است به هر کس که ست استخدام رسمی داشته باشد

اما بیانات آقای حاجز العمالک مبهرمانند این ماده برای چه اینجا آمد و چه نلسفه داشته است حق نداشته اند و میبایست در ضمن اجراء قانون استخدام باشد بنده عرض میکنم اینطور نیست در قانون بودجه در ماده شصت و پنج نظامنامه یک جاهای معین و موارد خاص را پیش بینی کرده است و میگوید هر چه طرحی را که مستلزم از دیاد مقرر می باشد معاش یا وظیفه باشد بتوان اصلاح و یا بعنوان ماده الحاقیه نمیتوان پیشنهاد کرد و غیر از آن هر طرحی هر اصلاحی و هر ماده الحاقیه را میشود جزو قانون بودجه کرد و چون این ماده مؤثر در بودجه است و مؤثر در مالیه مملکت میباشد و مشمول آن ماده شصت و پنج نظامنامه هم نیست (که بعد یک ماه علیحدت پیش بینی شود) جایش همین جا است تغییر هم نیست و بعد هم عرض خواهم کرد که تفسیر نیست و خودتان هم تصدیق خواهید نمود که اسباب اشکان نمیشود اینکه فرمودید منشی اول و دوم و سوم در وزارتخانه ها معمول نبوده است اینطور نیست چندین سال است که در وزارتخانه ها منشی اول و دوم و سوم و ثبات و ضابط و دفتر دار هست و در ابتدای دور چهارم هم که بنده در اینجا بودم و سایر آقایان هم تشریف داشتند بودجه های تفصیلی سه ایتهیل را که آوردند تمام این اسامی در آنجا بود و این یک اصل تازه نیست هفت هشت ده سال است که این ترتیب

معمول است و اما اینکه میفرمائید مواجب زیادی درست کاری می آورد این اصل تمامیت ندارد در بعضی از مزاج ها مؤثر میشود ولی در بعضی از مزاج ها هم مؤثر نیست برای اینکه ما میبینیم خیلی اشخاص هستند مواجب خیلی خوب میگیرند **حائز رتبه** - دزدی هم خیلی خوب میکنند **قدین** - حالا آن قسمت را بنده میادرت نمیکنم بسیار از اشخاص هستند خیلی متولند ولی قبول موجب درستکاری و هم طمع آن ها نیست و بالاخره بطور کلی مؤثر نیست ولی ممکن است یکتفر مستخدمی که زحمت کشیده و حقیقتاً امین و درستکار است پس از احرار این مقامات قطعاً باید با مواجب کافی داد اما قبلاً مواجب در دست کاری کسی نمیشود حالا بر میگردم اصل ماده چهارده این ماده میگوید کلیه وزارتخانه ها مکلف خواهند بود که بودجه تفصیلی خود را با در نظر گرفتن اصول ذیل از اول میزان هفده البته سیچقان ذیل ۱۳۰۲ تهیه نمایند ۱ - مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری سی تومان و مقرری رتبه اول قضاة چهل تومان ۲ - ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضاة از اول حمل تنگوز ذیل ۱۳۰۲ ج - مقرری کلیه مستخدمین کشوری و قضاة در حدود حداقل میزان مقرری آن رتبه (در این ماده چهارده چهار مطلب را متعرض شده است اول مقرری رتبه اول مستخدمین و مقرری رتبه اول قضات دوم ابتدای رتبه ها سوم حداقل میزان مقرری هر رتبه چهارم از اول میزان هفده البته یکی از علل پیشنهاد و تنظیم این ماده این است که این بودجه که آن آن مطرح است بودجه اعتباریست اما چکی نیست اعتباری مقید است بعتیده بنده اعتباری بردو قسم است یک قسمش عبارت از این است که وزراء و مسئولین مطلق العنان و مطلق البد باشند و هر چه می خواهند بکنند اما بنده این قسم بودجه اعتباری را تصدیق نمیکنم این بودجه اعتباریست باین معنی که صورت جزء تفصیلی را بیاورند ولی در حدود قسوتین موضوعه یعنی در حدود قانون استخدام و موادی که مرتبط به تنظیم بودجه است بنا براین این قسمت ها چون مربوط به بودجه تفصیلی است از این جهت در اینجا ذکر

شده است و اینکه بعضی ها میگویند این بودجه اعتباری است بلی اعتباری هست اما بودجه مطلق و چکی نیست که هر طور دلشان می-خواهد ولو برخلاف قوانین موضوعه هم باشد - (خدای نخواست) بودجه بنویسند و حالا وارد می شوم در جزء اول که چرا در اینجا مقرری رتبه ها معین شده است برای این است که در قانون بودجه و همچنین در قانون استخدام قبده شده است که مقرری رتبه اول باید در بودجه ذکر شده باشد در این یک اصلی است که تکلیف وزارت مالیه و سایر آقایان در امر آن معلوم میکند و اگر در اینجا ذکر شود ممکن است فردا بروند بیست و پنج تومان بیاست و هشت تومان معین بکنند و بعد هم بگویند شام بودجه اعتباری داد بودید این ترتیب برای این است که در آتیه اعتراض واقع نشود و اما چرا سی تومان شد ؟ این را چون در یکی از جلسات اینجا عرض کردم لذا دیگر تکرار نمی کنم و فقط بطور خلاصه عرض می کنم بنده از آنکه از بودجه های وزارتخانه ها یعنی از وزارت عدلیه و وزارت امور خارجه کم شد (چنانچه در این رتبه هم ملاحظه میفرمائید) برای اینکه وزارتخانه ها مصادف نشوند با حذف بعضی از مؤسسات و برای اینکه بر عهده بیکارن و منتظرین خدمت افزوده نشود و یک عده را بیرون نکنند آمدم گفتیم دو تومان از حد اقل کسرمی کنیم (یعنی از رتبه ثبات) و این عمل تأثیر میکند در این موضوع و هر چه از این باب زیاد بیاید تکافوء میکند با کسر بودجه و با موافقت خود دولت این کار را کردیم ولی بعد در جلسات دیگر هیئت دولت پیش نهاد کرد و گفتند حقوق ثبات سی و دو تومان و حقوق قضاة همان چهل و پنج تومان و آن محظور موضوع ندارد ما هم که مدعی نبودیم یا کسی قبول کردیم کمیسیون بودجه هم بر روی همان اصل بودجه را تصویب کرد ولی مذلک این چهل و پنج تومان وسی و دو تومان تأثیری نکرد در آن مقصودی که ما داشتیم مقصود ما این بود که مؤسسات حذف نشود و از مستخدمین بتوان منتظرین خدمت کسی را بیرون نکنند ولی متأسفانه این عمل جریان پیدا کرده است و یک قسمش در وزارت عدلیه است که در اول جلسه آقای یاسانی اظهار داشتند که صد و چهل و چند نفر برای اینکه بودجه کفایت نمی کند

در تمام ولایات و ایالات از ثبات و منشی و قاضی و غیره را کسر کرده اند - حالا این را اینجا را داشته باشید که یک عده بر بیکارن مملکت افزودیم و اسشان هم منتظر خدمت است ولی حقوق چه عرض کنم شاید برای بودجه سال آتیه منظور شود - این یک فلسفه بود - ما مقصودمان این بود که این مستخدمین که هستند باشند و سکنه بکسی وارد نشود منتهی یک مبلغ کمی در تومان ارباب آتیم از اول میزان که شش ماهه آن می شود دوازده تومان گفتیم کم کنند زیرا دوازده تومان را در ظرف شش ماه ثبات می توانه بدست که در عوضش یک ثبات دیگری بی کار نشود ولی ملی اجمال مادر آن قسمت خرجی نداریم و رتبه اول اصلاح شده است و مثل سال گذشته ثبات سی و دو تومان و قضات چهل و پنج تومان بگیرند - حالا بر میگردیم ب قسمت (ب) ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضات از اول حمل تنگوز ذیل ۱۳۰۲ آنهایی که در کمیسیون بودجه هستند و همینطور آقایانی که در این مجلس سمت عضویت دارند و آنهایی که در بیرون هستند در سهم خودشان موظفند که قوانین موضوعه را اجراء کنند پس بنا بر این بنده اگر در کمیسیون بودجه باشم یا اینجا باشم اول نظر بنده و همه آقایان باید این باشد که قانون اجراء شود و هر جا که دیدیم قانون درست اجراء نشده است باید اخطار کنیم و تذکره بدهیم ماده ۶۶ که محل بحث است میگوید مستخدمین که در تاریخ شروع اجراء این قانون مشغول خدمت هستند و با داشتن سابقه خدمت شافل یکی از مقامات مندرجه در ماده ۶۳ میباشد مستخدم رسمی محسوب و موافق تشکیلات اداری هر وزارت خانه مشاغل آنها با مراتب منظوره در ماده ۱۵ این قانون تطبیق و از آن قرار با آنها رفتار خواهد شد مشروط بر اینکه تاریخ ورود به خدمت آنها قبل از اول میزان ۱۳۰۹ بوده باشد این ماده سه قسمت تجزیه می شود یک قسمت راجع است باینکه کیها مستخدم رسمی هستند و این در قسمت اولش است که میگوید مستخدمینی که در تاریخ شروع اجراء این قانون مشغول خدمت هستند با داشتن سابقه خدمت شافل یکی از مقامات مندرجه در ماده ۶۳ میباشد مستخدم رسمی محسوب - دوم راجع بشخص رتبه است که می گوید معنایش این است دیگر دو شق که بیشتر ندارد یادر تشخیص رتبه باید مبداء موافق تشکیلات اداری هر وزارتخانه

مشاغل آنها با مراتب منظوره در ماده ۱۵ این قانون تطبیق - مراتب منظوره در این قانون چه چیز است؟ مراتب در ادارات کشوری برادر ذیل است: اول - ثباتی - دوم - منشی سوم - سوم - منشی گری دوم - چهارم منشی گری اول پنجم مدیری ششم - ششم - مدیری دایره - هفتم معاونت ادارت - هشتم ریاست اداره - نهم مدیری کل یا معاونت اداری این عبارت را اگر با اصطلاح طلاب قدیم لو خبلی و طبه من حیثی نگاه کنیم و بعد یک نفری که نداند در فلان اداره مستخدم کی است بدیم ارباب عبارت چه می فهمد این عبارت صریح است که موافق تشکیلات اداری هر وزارتخانه مشاغل اشخاص باید با این مراتب نه گانه تطبیق و از آن قرار با آتیه رفتار شود و باید شغل هر کس را ببینند با کدام یک از این مراتب تطبیق میشود و یک رتبه را در نظر بگیرند و بگویند این رتبه قانونی است و سابقه خدمت هم مدخلیت ندارد و فقط مستخدم رسمی کسی است که قبل از ود ونه وارد خدمت شده است حالا آیا در بودجه های تفصیلی وزارت خانه ها اینطور شده است یا شکل دیگر ؟ اینجا یکی از دو کار میشود تصور کرد یا باید در حین اجراء قانون استخدام شغل هر مستخدمی را تطبیق کرد با یکی از این رتبه ها و گفت رتبه قانونی این است و باید این رتبه را در نظر گرفت - یعنی روزی که وارد خدمت شده و روز اول خدمت تو یازده سال قبل است یک سال مال مجانی خدمت کردت الیانی میماند چهارده سال این چهارده سال دو دو سال منشی - سوم - دو سال منشی دوم - دو سال منشی اولی این نه سال و بالاخره از رتبه یک تاریخ چهارده سال باید بیاید بعد مدیری ششم سه سال این دوازده سال - بنا براین اگر ما بخواهیم مبداء رتبه را از اول ورود به خدمت بگیریم باید بگوئیم کسی که یازده سال پیش وارد شده امروز باید مدیر دایره باشد آیا حالا هم در وزارت خانه ها اینطور شده است؟ اگر اینطور شده بندهم موافق هستم ولی آن وقت نتیجه اش این میشود که اشخاصی که شش سال قبل یا پنج سال یا قبل از نود و نه بهر شکلی که بوده است وارد شده اند و غاصباً بکس میز مدیری دایره نشسته اند حالا باید تشریف ببرند بیست میز ثباتی معنایش این است دیگر دو شق که بیشتر ندارد یادر تشخیص رتبه باید مبداء موافق تشکیلات اداری هر وزارتخانه

خدمت را روز ورود به خدمت گرفت و یا باید ابتدای اجراء قانون استخدام دیگر شق ثالث ندارد و این یک مسئله علمی است و بنده هم نه برادر و نه قوم و خویشم در ادارات هست - پس اگر ابتداء مرتبه از موقع اجراء قانون استخدام است چنانکه در این قانون هم صریح است باید مطابق این قانون هر کسی را تطبیق کرد با یکی از این رتبه نه گانه و از همان رتبه مطابق سیر قانونی بالا برود و اگر غیره مفرم مبداء رتبه از سابق اشخاص را ملاحظه کنید و آن وقت یک سالش را موضوع کنید و مطابق این قانون رتبه او را معین نماید ولی حالا ما می بینیم در بودجه های تفصیلی اینکار را نکرده اند در بودجه های تفصیلی سابقه خدمت را رعایت نکرده اند و این عمل در همه جا مخصوصاً در وزارت مالیه جریان دارد و حقوق را ماخذ قرار داده اند مثل مثالهایی که خود آقای حاجز العمالک فرموده که فلان کس صد و پنجاه تومان حقوق داشت گفتیم چکار کنیم بالاش ببریم ؟ یا اینش بیاوریم ؟ یا اینش آوردیم و فلان طور شد - ولی حقوق ماخذ نیست و باید ابتدای اجراء قانون استخدام و یا موقع ورود به خدمت را ماخذ قرار دادیم مادامیکه وزارتخانه های کار را نکرده اند و تبعیض را قائل شده اند - یعنی هر کس که نفوذ داشته است آمدند اندک قام را از برایش معین کرده اند یا حقوق رتبه موقوف - حالا آن مقام را که داده اند هیچ یک مقام دیگری هم در قسمت بالا برایش قائل شده اند مثلا در وزارت مالیه هفده تا مدیر کل هست اگر ابتداء رتبه را از ابتداء ورود به خدمت بگیریم باید اینها بیست و سه سال خدمت کرده باشند تا باین مقام برسند و آیا در وزارت مالیه این هفده تا مدیر کل بیست و سه سال خدمت کرده اند ؟ بنده که گمان نمیکنم این است که قضایا را در تحت هو و جنجال انداخته اند و میگویند میخواهند مستخدمین را ذبح بکنند سه روز است بنده را بست و آوردند و اصرار میکنند که حرف زن ولی بنده حرف میزنم و حقایق را هم میگویم آنطرف است آن طرف - این طرف است این طرف - و نباید در قانون تبعیض بشود - دولت و وزارت مالیه که بودجه های تفصیلی شان را اینجا آورده اند در وزارت مالیه کاملاً حقوق را ماخذ قرار داده اند و قبل از قانون استخدام حقوق دادن مآخذ نداشت و بسته بود بد داشتن یارثی و نظریات اشخاص و یک حقوق های گزافی در وزارت مالیه هست که بیشتر آنها هم راجع است بر و ساء

و منتقدین که دوست و بندهام تومان و چهار صد تومان و از این قبیل اعداد بگیرند - علی اجمال چیزی که مورد ایراد است این است که حقوق را ماخذ تشخیص رتبه قرار دادند بنا براین ما آمدم اینجا گفتیم حالا که در وزارت خانه ها این کارها را کرده اند ما این رایشتهاد میکنیم و از دو صورت بیرون نیست و علاقه هم نداریم باین قسمت علاقه کامل مان با اجراء قانون نیست نسبت بهم و آن ثبات و ضابط و منشی نباید هجده سال در یک زاویه بمانند و آن یکی دیگر که شش سال است خدمت میکند فوراً رئیس دایره یا معاون اداره و یا رئیس شعبه بشود و این مسئله باید قطع شود نه اینکه لو بماند - این قانون معایب و مشکلات زیاد دارد ولی نظر اصلاحی که بنظر ما رسید این بود و من در این قسمت حرفه زیاد دارم ولی عجالتاً محفوظ میگذارم و بماند برای بعد - اما آمدم در قسمت مقرری مستخدمین (مقرری کلیه مستخدمین کشوری و قضات در حدود حد اقل میزان مقرری آن رتبه) در ماده بیست و سه این قانون تصریح کرده است که بعد از آنکه رتبه ها معین شد از رتبه اول تا رتبه چهارم یکی دو سال و از رتبه پنجم تا رتبه نهم هر یک سه سال بمانند و باز تصریح دارد که در سال اول هر مرتبه حداقل مقرری آن رتبه را باید داد - ولی حالا یک مراجع اجمالی باین بودجه بفرمائید (ومن تأسف میخوم که چرا مجال نشد و وضمت اجازه آنرا که بودجه های تفصیلی در اینجا بیاید) در همان سال اول که اول تنگوز ذیل است در اغلب از وزارتخانه ها مخصوصاً وزارت مالیه حد اکثر داده اند و این بر خلاف نص صریح قانونست و عبارت این است که میگوید - ممکن است از سال دوم بعد بیعضی از اشخاص تفاوت حداقل و اکثر داد آتیم مشروط بر اینکه از یک ششم مقرری تجاوز نکنند - اینجا فقط میگوید ممکن است ولی آیا این امکان با اصطلاح منطقیه یعنی امکان هام است؟ یعنی شامل هر فرد فردی می شود یا یک مرجعانی هم باید داشته باشد؟ بعقیده بنده باید یک مرجعانی هم در بین باشد - اینجا جای تشویق است - اینجا جایی است که اگر مستخدمی خوب کار کرده است باید دو سال دوم برای تشویق او یک اضافه منظور داشت در صورتی که تفاوت حداقل و اکثر در یک وزارت مالیه

تنها مطابق بودجه که آورده اند در هرگز صدوش هزار تومان است و این معنی ممکن است.

اگر غیر ممکن بود چه میشد؟

بنده حتی الامکان اجتناب دارم حرف‌هایی که يك وقت منتهی میشود بترنزل مرکزیت ولی اینجا با چهارم عرض کنم این قانون فقط برای تهران وضع نشده این قانون برای تمام مملکت و برای عموم مستخدمین دولت وضع شده است.

در هر نقطه از مملکت باشند خواه در بوشهر خواه در بندر جزو خواهد در کلات باشد شامل همه آنها باید بشود و بنده میدانم چه موجب این شده است که در هر کزنده و شش هزار تومان تفاوت حداقل واکثر باشد آنها مال بالادست‌هاست مستخدمین با این ولی در ولایات ثبات بیست تومان و هجده تومان و یازده تومان و هکذا حقوق بگیرند؟

حالا از این قسمت هم میگردد و اگر بنا بر این است که حداقل را باید داد چرا بقی وزارتخانه‌ها نباید داد؟

و بو وزارت پست و تلگراف حد اقل میدهند؟

این چیز غیر بی است و بنده که این ماده را پیشنهاد کردم موافق با این ماده هستم مخالف نیستم

قانون باید بطور تساوی نسبت به همه اشخاصی که مشمول میشوند اجراء شود مگر اینکه تبعیض در خود قانون باشد و آن وقت آن تبعیض قانونی است.

بنا بر این در سال اول اضافه داده اند و امسال هم که هفت دوازدهم مجلس تصویب کرده است در حدود سال گذشته است و طبعاً هم گرفته میشود و دیگر اینکه این کله علی الحساب هم تقریباً شوخی شده زیرا آن وقت که رأی دادیم بطور علی الحساب برای این بود که وقتی يك تصمیم قطعی گرفته شد

آنوقت زیاد و کمش میکنیم ولی با این حال گفتم حالا که ششماه از سال گذشته با ارسال را هم که گرفته اند ششماه را هم بگیرند نوش جان شان ولی از میزان اینطرف در این ششماه و سال آتی باید تبعیض رفع شود و این قانون شامل حال تمام اشخاص شود و در اینجا ناچارم چند جمله دیگری را هم عرض کنم بدخاتنه بدهم برایشم.

از يك طرف بواسطه کمی هایدات بودجه‌های وزارتخانه‌ها را تقلیل کرده اند و بالاخره وزارت خانه‌ها را دچار محصور کرده اند.

پنجاه هزار تومان از بودجه مسارف کسر کرده اند.

انا از یک طرف صد و شش هزار تومان اضافه حقوق بدو از مرکز و وزارت مایه داده اند.

از طرفی هشتاد هزار تومان از بودجه وزارت عدلیه کم کرده و یکمده اشخاص را در نتیجه این کسر بیرون کرده اند با این حال از طرف دیگر اضافه حقوق بمالیه داده اند و وقتی که حال وزارت خانه‌ها را ملاحظه میکنید.

وزارت جنگ که اصلاً مشمول این قانون نیست.

لذا آن را موضوع میکنیم.

وزارت عدلیه و قضاییت بر آقایان معلوم است.

وزارت معارف حالش این است که ملاحظه میفرمائید.

پست و تلگراف که حداقل حقوق را هم باور داده اند.

وزارت فوائد عامه که اصلاً ادارت مرکزی اینقدرها نیست و اگر خرجی هم دارد متعلق به طرق و شوارع است اما چه عرض کنم با این باج‌هایی که از مردم میگیرند.

نمی دانم حقوق این وزارت خانه را واقعاً با تصویب کردید؟

دیگر از وزارت خانه‌ها وزارت خارجه است که آنجا هم لایحی علیکم حداقل حقوق را برده اند و از این حیث مثل وزارت مایه هستند.

بنده عرض کردم نظر خاصی ندارم ولی بالاخره عرض میکنم که من حیث المجموع صد و پنجاه هزار تومان تفاوت عمل است از نقطه نظر همین حداقل و از این صد و پنجاه تومان صد و شش هزار تومان مشمول متعلق بمالیه است بقیه مال سایر وزارتخانه‌ها است.

دیگر توضیحی ندارم.

حالا با این تفصیل و با اینکه وزارت خانه‌های مادچار محصور شده اند و همه این ها هم بواسطه کمی بود است یک مسئله دیگری را که خیلی جالب توجه است لازم است عرض کنم و آن این است که بعد از همه این طول و تفصیل و پس از اینکه در این لایحه بودجه مانع صد هزار تومان فاضل هایدات اسد را گذاریم بعد از آن اگر این بودجه را با همین کیفیات تصویب فرمائید باز دو میلیون تومان فرض مسلم برای سال آتی تهیه کرده اند که نه صد و پنجاه هزار تومان جزء امسال است و يك میلیون و کسری بر آن سال آتی.

وزیر مایه بنده نمیخواهم خیلی طول و تفصیل بدهم.

بیانانی که اینجا از موافق و مخالف اظهار شده بسیار خیلی صحیح بود و لیکن در مطالب باید همه چیز را در نظر گرفت و تمام جهات را ملاحظه کرد.

اینکه قانون استخدام اجراء شده است یا نشده است در این موضوع اینجا مقرر مذاکره شد و مطلب با این سادگی که بیان فرمودند نیست و اینکه ماده ۶۶ را قرائت

کرده و فرمودند وزارت خانه‌ها باید متاضل را با مراتب منظوره در قانون استخدام تطبیق کنند.

این مطلب اینقدر ساده نیست.

اولاً مستخدمین دولت همه عنوان ثبات و منشی و رئیس دایره رانداشته و ندادند تا اینکه ما بیاییم نگاه کنیم ببینیم مدت خدمت هر کسی چقدر بوده و از زوری مدت خدمت رعایت رتبه او را نموده و مرتبه اش را تشخیص بدهیم مثلاً ما کم داریم.

تسویلاً داریم.

تخصیص دار داریم.

امین‌تد کرده داریم.

کار گذار داریم.

خوب این مراتب را باید چه اسم بگذاریم؟

مثلاً باید بگوئیم حاکم هم درجه با منشی است یا با ثبات یا منطبق با رئیس اداره یا دائره است؟

چه باید اسمش را بگذاریم و با کدام يك از مراتب گانه قانون استخدام تطبیق کنیم؟

اینکه گفته شد سابقاً هم ثبات داشتیم منشی هم داشتیم. مدیره شعبه یا مدیر دائره هم داشتیم.

بلی داشتیم ولی عرض کردم همه مستخدمین دولت که منحصر بشمی نیستند نامشول مراتب قانون استخدام بشوند.

قانون استخدام میگوید.

وزارتخانه‌ها باید بر حسب مقتضیات بتانوم مراجعه کنند و هر يك از مستخدمین که دارای يك شغل است آن شغل را با یکی از مراتب منظوره در قانون تطبیق کنند.

مثلاً وزارت خارجه آمد و دید که وزیر مختار چه مرتبه باید دارا باشد آن وقت شاید همچو مقتضی دانست که آخرین مرتبه گانه را دارا باشد و قتی که این تشخیص را داد.

حالا میخواهد آن وزیر مختار چهار سال خدمت کرده باشد یا چهل سال.

در هر حال رتبه او را ما باید رتبه نهم بدائیم.

آیا میتوانیم يك وزیر مختار را که بفلان دربار فرستاده ایم با این تصور که چون ده سال بیشتر نیست در خدمت وزارت خارجه داخل شده است مرتبه او را پائین تر بیاریم؟

اینکه گفته شد مدت خدمت را باید بداهه قرار داد باید عرض کنم که اینطور نیست.

قانون نگفته است کسی که يك مدت زیادی خدمت کرده باید ترفیع حاصل کند.

راست است که مدت خدمت را قائل شده است ولی باید دانست شرط ترقی منحصر بدت خدمت نیست روح قانون حاکی است که هر کسی لیاقت دارد.

کفایت دارد و بیشتر معلومات دارد و این چیزهایی که برای ترقی در خدمت منظور است.

تمام این مراتب را باید ملاحظه کرد و با رعایت این جهات ارتقاء رتبه مستخدمی داد.

مستخدمی که چهل سال است خدمت می کند البته واجب‌الراه است و البته حقوق او باید بیشتر از مستخدمی که پنج سال است بدولت خدمت می کند منظور نظر باشد.

اما بسا هست که پس از چهل سال خدمت معذک نمی شود به او ترفیع رتبه داد زیرا ممکن است پس از چهل سال هنوز از عهد کار بالاتر نیاید پس اینهم اصلی است باید در نظر داشت.

مقدمه این است و تصور می کنم که مجلس شورای ملی هم تصویب خواهد کرد و عقیده خواهد داشت که در قانون استخدام با اندازه کافی مسئله فضا و کفایت منظور و ملحوظ نشده و در اصلاحی که حالا در قانون باید نمود این مطلب را باید بیشتر رعایت کرد.

این بود که وزارتخانه‌ها در مقام اجرای قانون استخدام آمدند و خواستند مشاغل مستخدمین را با مراتب مسطور در قانون تطبیق کنند.

ولی نمیتوانستند فقط مدت خدمت را رعایت کنند.

(در این موعه چراغهای پارلمان خاموش و آقای وزیر مایه ساکت شدند)

یک نفر از نمایندگان - پس از چند ثانیه تأمل بفرمائید

وزیر مایه - بنده هم ملتفت هستم که حرف را فقط گوش میشنود ولی آقایان تند نویسه‌ها که مذاکرات مجلس را باید بنویسند چشمان باید ببینند (مجدداً چراغها روشن شد)

این که گفته میشود مراتب خدمت را از زوری مدت خدمت باید قرارداد اینطور نیست وقتی که وزارتخانه‌ها متاضل را تطبیق مینمودند مجبور بودند همه چیز را رعایت کنند و در نظر بگیرند.

یکی مدت خدمت و یکی هم استحقاق و لیاقت و یکی همین کاری که دولت کرده است که حقوق را ماخذ قرار داده است و اینهم صحیح است. و جز این چهار هم نبود.

و بالاخره یکی از چیزهایی که در موقع تطبیق دولت در نظر گرفته شغلی است که مستخدم دارا بود.

حالا بنده نمیخواهم زیاد مطلب را طول بدهم ولی کلاً ثابت می کنم که مراعات تمام این مراتبی که عرض شد متل ذوم لازم است.

چنانچه ما هم همه را مراعات ملاحظه کرده ایم

مثلاً عرض کردم یکی وزیر مختار است این را ما نمیتوانستیم بگوئیم چقدر مدت خدمت دارد.

فرض میکنیم وزیر مختاری دارای ده سال مدت خدمت است ولی ما نمی توانستیم بيك وزیر مختار نه مرتبه سوم که منشی گری باشد بدهیم و نه حقوق آن رتبه را هیچکدام.

زیرا تجربه رسیده است که هر وقت خواهسته اند يك چاقوئی دست گرفته قطع کنند و يك مرتبه اصلاحاتی بکنند موفق نشده اند.

بنده خودم در این عمری که کردم دیده‌ام در این مملکت اشخاص هر وقت خواهسته اند که يك اصلاحات قطعی بکنند اقدام بيك عملیات قطعی بنمایند بالاخره بجائی نرسیده است.

برای اینکه اینطور بنظر می آید که اصلاح قطعی مخالف طبیعت انسانی است.

پس مراعات همه ترتیبات لازم بود. بنده اساساً معتقد نیستم که هیچوقت خطا یا تبعیضی در کار بشر واقع نمیشود.

خیر.

اینها لازمه بشریت است. هیچکس هم نمیتواند مدعی باشد که غیر از این است.

ولی البته باید سعی کرد که اینها کم‌تر واقع بشود.

عجب در این است که بنده نمی دانم چه طور شده که موافقین و مخالفین این ماده شصت و شش هر دواز این ماده استفاده میکنند.

مثلاً آقایانی که این ماده را پیشنهاد کرده اند اینطور استفاده میکنند و معتقدند مبدأ رتبه را باید بر حسب قانون استخدام از اول حمل تنگ‌نویز قرار داد.

بنده از این ماده استفاده میکنم که اینطور نیست.

زیرا عرض میکنم بهمان فلسفه‌هایی که اینجا ذکر شده بنده هم تصدیق دارم که قانون وقت در موقع وضع قانون استخدام سوابق خدمت را در نظر نداشت یعنی منحصر نمیتوانست سابقه خدمت را بدیه قرار بدهد.

چرا؟ برای اینکه يك انقلابی در ادارات تولید میشد آن هم مخصوص در این مملکت که انقلاب در ادارات انقلاب در مملکت است پس گفتند ما به ماضی کار نداریم البته اشخاصی هستند که در گذشته مظلوم واقع شده اند و اشخاصی هم هستند که در باره آنها بیشتر از اندازه رعایت شده است.

ولی خیلی چیزهای گذشته است که ما کاندلا آن را نمیتوانیم اصلاح کنیم.

همیشه عقلاء میگویند اصلاحات را باید از بالا شروع کرد.

چنانچه مثلی هم در این موضوع است که موافقانه است می گویند ما همی را هر وقت از آب بگیریم تازه است.

پس هر وقت با اصلاحات شروع کنیم خوب است.

هر قدر هم موفق شویم باز خوب است همیشه باید کار کرد و اصلاحات را تدریجاً نمود و این هم يك اصلی است که اصلاحات قطعی را يك مرتبه نمی شود کرد و نتیجه نخواهد داشت.

زیرا تجربه رسیده است که هر وقت خواهسته اند يك چاقوئی دست گرفته قطع کنند و يك مرتبه اصلاحاتی بکنند موفق نشده اند.

بنده خودم در این عمری که کردم دیده‌ام در این مملکت اشخاص هر وقت خواهسته اند که يك اصلاحات قطعی بکنند اقدام بيك عملیات قطعی بنمایند بالاخره بجائی نرسیده است.

برای اینکه اینطور بنظر می آید که اصلاح قطعی مخالف طبیعت انسانی است.

پس قانون استخدام هم این مسئله را رعایت کرده و گفته آنچه گذشته گذشته است از حالا بعد باید طوری رفتار کنیم که بفرمایش آقایان مستخدمین مظلوم واقع نشوند.

قانون استخدام با اینکه خیلی اسباب زحمت شد و خود بنده هم زحمت او را خیلی متقبل شدم و شاید يك معایب و نواقصی دارد اما معذک عرض میکنم که وضع این قانون در دوره چهارم یکی از بهترین یادگارهای آن دوره است.

البته اگر نواقصی هم دارد انشاء الله برود رفع خواهد شد.

ولی وضع این قانون نه تنها مظلومیت مستخدمین را جلو گیری کرد بلکه خیلی چیزها را جلو گیری کرد.

یکی این بوده که دولت را از يك مهلکه نجات داد. زیرا هم بطور که آقایان فرمودند سابق ترتیب ما اینطور بود هر وقت يك اشخاصی مصدر کار میشدند و بوزارت می رسیدند مسئله قوم و خویش و ایالتی و وابسته وسطه و شفاعت سبب میشد که يك اشخاصی را سر کار بیاورند آنوقت دو حال لازم می آمد.

یا اینکه يك اشخاصی را باید بیرون کنند و اینها را بجای آنها بگذارند و یا اینکه قدیمی را نگاهدارند و جدیدها را هم بیاورند آن وقت نتیجه اش این میشد که حالا در هر وزارت خانه آنقدر منتظر خدمت پیدا شده است.

پس از این نظر قانون خیلی خوب بود و اگر معایبی هم دارد گرچه اسباب زحمت است ولی اصلاح خواهد شد و این معایب موقتی است و در آتی نتایج خوبی خواهد داشت.

حالا بنده عرض میکنم این ماده می گوید مشاغل را تطبیق کنید با رتب. ولی وقتی که شما خواستید این مستخدمین

نکنید.

نگفته اعطای مراتب بکنید با عاضه ادارات.

بلکه گفته شغل هر کسی را ببینید و با یکی از این مراتب نه گانه تطبیق کنید.

گفته فلان قدمی که روی يك صندلی نشسته مثلاً اسم آن صندلی را بگذارید صندلی چهارم و بگوئید این آدم در روی صندلی چهارم نشسته است.

خوب. پس از اینکه شما این صندلی را بنام صندلی چهارم قبول کردید آن وقت بنده معتقد نیستم که بگوئید بلی این صندلی صندلی چهارم است ولی از ابتدای حمل تنگ‌نویز قبل از حمل صندلی چهارم نبوده است.

این است که بنده بعقیده خودم تصور میکنم نیشود مبده خدمت را از اول حمل گرفت و تصور میکنم اگر این کار را بکنیم يك تفسیری از قانون استخدام کرده ایم زیرا بنده از زوری همین قانون استدلال میکنم که مبده خدمت را اول حمل معین کردن تفسیر قانون است. چرا برای اینکه شما میگوئید اول حمل است.

بنده میگویم نیست پس يك طرف را شما گرفته اید طرف دیگر را بنده.

آقای حاج عز المالك گفتند خوب است این تفسیر را اینجا نکنیم.

بنده هم با آقای تدین عرض نمیکنم که شما حق ندارید این تفسیر را بکنید.

خیر شما این حق را دارید ولی بنده عرض میکنم در اینجا مقتضی نیست.

زیرا مطلب غامض است و همینطور که مذاکره عرض شد مطالب را باید کاملاً سنجید و مطالعه کرد.

خوب باید قانون استخدام بيك ترتیبی اجرا شده.

حالا عملیات این دو سال را اگر بخواهید تغییر دهید و برهم زنید بنده عرض میکنم يك انقلابی ولو اینکه بزرگ هم نباشد تولید خواهد کرد.

اما راجع بان معایبی که فرمودند در ادارات هست.

در صورتی هم که باشد بان شدنی که فرمودند نیست البته بنده يك قسمتش را تصدیق میکنم ولی اگر مبالغه را کنار بگذاریم تصدیق خواهیم کرد که اینطور هم بیایند آن وقت نتیجه اش این میشد که حالا در هر وزارت خانه آنقدر منتظر خدمت پیدا شده است.

پس از این نظر قانون خیلی خوب بود و اگر معایبی هم دارد گرچه اسباب زحمت است ولی اصلاح خواهد شد و این معایب موقتی است و در آتی نتایج خوبی خواهد داشت.

حالا بنده عرض میکنم این ماده می گوید مشاغل را تطبیق کنید با رتب. ولی وقتی که شما خواستید این مستخدمین

که فعلاً خدمت میکنند مقامشان را خواه از حیث حقوق.

خواه از حیث رتبه خواه از حیث بقاعو بالاخره از حیث آتی از ترنزل بیرون بیاورید با این ترتیب آن وقت تقاضی غرض کرده اید یعنی اگر بنا شود یکمده مستخدمینی که یاز سال بکرتبه و حقوقی داشته و رتبه شان را از روی حقوق تشخیص داده اند پس از مدتی خدمت عوضشان بکنند آن وقت مطمئن از همه سلب میشود.

زیرا خواهند گفت يك هیئت مقننه يك قانونی وضع ويك هیئت مجریه يك طوری آن را اجراء میکنند آن وقت هیئت مقننه دیگر می آید و کار دیگر می کند و او را تفسیر میکند این است که بنده باز بطور خلاصه عرض میکنم که این ماده ۴ جزء دارد.

در يك جزء آن که حقوق رتبه اول باشد خود کیسیون آن را پس گرفته و به اکت اولیه برگردانده است.

ولی در باب آن قسمت دیگر بنده از آقایان متناذر ام فلان این مسئله راه سکوت بگذارند و رأی ندهند. چرا؟

برای اینکه آن قسمتی که راجع به حداقل حقوق است که امسال را حداقل بدهند.

مانطور که گفته شد هر قدر بخواهند دلیل و مهران برای خوبی اینکار بیاورند باز نمیتوان منکر شده که با ظاهر قانون استخدام مخالفت دارد زیرا در قانون گفته شده است که از سال دوم بعد می توان اضافه حقوق با عاضه داد.

آقایانی که میگویند الزام نشده است.

بلی صحیح است ولی وقتی که در جزء قانون بودجه مینویسد امسال که سال دوم اجرای قانون استخدام است.

بقول خودتان اگر میده مراتب را از اول حمل تنگ‌نویز بگیرد سال دوم است.

اگر بقول من باشد که سال سوم و چهارم است.

پس بموجب این قانون چون سال دوم اجرای قانون استخدام است وزارتخانه ها حق دارند به مستخدمین اضافه حقوق بدهند و شما میخواهید بموجب این قسمت از ماده چهاردهم این حق را از مستخدمین بگیرد.

بنده حالا عرض نمیکنم که به هر مستخدمی در سال دوم باید اضافه حقوق داد و آن حقوق هم مثلاً باید در حد اکثر باشد؟

خیر بنده همچو عرض نمیکنم بلکه در اینجا باید مسئله لیاقت جدت و طرز خدمت مستخدم راه نگاه کرد.

اگر چنانچه حقاقتاً مستوجب تشویق است باید به او اضافه حقوق داد آن هم باندازه؟

که مستوجب و درخواست باید یا داده شود و این اختیارات هم باید برای وزراء کار را بکنند اما اینکه بطور کلی باید مستخدمین اضافه حقوق داد یا خیر بنده عرض میکنم بسته به موارد است در يك جایی اگر مورد داشته باشد باید داد و اگر يك موردی بر عکس است که خیر بطور اشاره باید عرض کنم که يك اشخاصی هستند که واقعا بین من و خدا مستوجب تشویق بوده اند و وزارتخانه ها دیده اند چاره ندارند جز اینکه پنج تومان یا هفت تومان اضافه حقوق بآنها بدهند و اگر این ماده را تصویب و این رای را قبول کنید آن تشویق از بین خواهد رفت و يك لحظه وارد خواهد آمد اما در يك جزء دیگر این ماده که خدمت را از اول حمل تنگنویز قرار داده بنده چون آدم منصفی هستم عرض نمیکنم قطعا برخلاف قانونست بلکه عرض میکنم هر دو تفهیم در او معطل است پس حالا که اینطور است اصلاحات را ندارد که ما اینجا تفسیر کنیم زیرا وزارتخانه ها بزمخت خواهند افتاد و يك قسمت از مستخدمین دماغشان میخورد بالاخره نباید قسمی کرد که از اول میزان وزارتخانه ها بودجه های خودشان را طرد دیگر تهیه کنند بنده از آقایان این تنا را میگویم که این مسئله را با اختیار وزارت خانه ها باقی بگذارید و آن ها را مقید نکند که بودجه های خودشان را در یک ماه اول يك طور و در شش ماه ثانی يك طور دیگر بشویند زیرا بهمان دلایلی که اینجا ذکر شد بعضی از آنها در تصفیه افتاده اند باید آزاد باشند که هر طور میتوانند بودجه های خودشان را تهیه کنند و اینکه گفته میشود بودجه اعتباری بوزراء می دهیم که برود هر کار دلشان می خواهد بکنند بنده عرض می کنم همچو چیزی البته مجلس نباید چنین اجازه بدهد و دولت هم يك چنین اجازه و اختیاری نمیخواهد بلکه میخواهد قانون استخدام و مواد چهارده گانه این بودجه و سایر موارد را رعایت کند ولی این مسئله مستلزم این نیست که شما آن ها را مجبور کنید در شش ماه اول يك طور و در شش ماه دوم قسم دیگر بودجه خودشان را تنظیم کنند بلکه نظر بصعوبت و سختی که برای وزارت خانه ها پیش آمده مقتضی این است که آنها اختیار بدهید که در حدود و

مطابق قانون هر طوری بخواهند بودجه ها را تهیه کنند پس است که از اول سال بتوانند صرفه جویی کنند و بروی قسمت آخر سال بگذارند این ها مطالبی بود که بنده راجع باین مسئله لازم بود عرض کنم اما اینکه آقای تدین در قسمت اخیر بیانات خودشان فرمودند با این تفصیل باز نصد هزار تومان قرض برای اسامیل و دو میلیون برای سال آینده گذارده اند لازم است عرض کنم که این مطلب به هیچ وجه مربوط بقانون استخدام نبود و شما هر تفسیری که نسبت به مواد قانون استخدام بکنید مربوط به این مسئله نخواهد بود زیرا همه کس میدانند این قرضی که شده است بر گردن ماست اشخاصی که خودشان مقروض شده اند بخوبی میدانند که اساسا قرض بد چیزی است ولی این يك چیزی است که در دو سال قبل بنا بر يك پیش آمدی شده است و در کمیسیون بودجه هم در این باب مذاکره کرده ایم و معلوم شد که بر حسب ضرورت و لزوم این امر پیش آمده از این جهت نه تصدیق دولت حاضر است و نه تصدیق دولت های سابق تفسیر کسی نیست و بعضی هم بودجه و قانون استخدام ندارد البته بعد هم کتباً و شفاهاً در این باب توضیحات لازم داده خواهد شد و به چه شکل هم جبران خواهد شد آن هم معلوم میشود بعضی از نمایندگان مذاکرات آقای رئیس - پیشنهاد تنفس شده قلدین - بنده توضیح نظامنامه ای دارم آقای رئیس - اگر توضیح نظامنامه دارید بفرمائید قلدین - چون يك قسمت از هرايش مرا آقای وزیر مالیه برخلاف جلوه دادند از این جهت نظامنامه بنده حق میدهد که توضیح بدهم ایشان فرمودند بعضی از مذاکرات بنده مبالغه بوده است و معنی مبالغه اینست که برخلاف واقع بوده گمان میکنم مقصودشان هم از مبالغه همان قسمت های وزارت مالیه بوده است اما این حساب شده است و ایشان در تمام مذاکراتشان حتی يك کلمه از وزارت مالیه نگفتند بنده مخالف نیستم که مستخدمین

حقوق داده شود بلکه میگویم اگر بدهید بهمه بدهید چه امتیازی وزارت مالیه بر سایر وزارتخانه ها دارد؟ چه علت دارد آنکه نزدیک بغاری است پول بگیرد ولی آنکه دور است هیچ نگیرد؟ آقای رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات کازرونی - بنده مخالفم آقای رئیس - بفرمائید کازرونی - بطوری که آقایان هم تصدیق دارند این ماده یکی از مواد اصولی و اساسی است که در واقع سایر مواد هم مبتنی بر این ماده است شایسته این بود که اولاً در این ماده مذاکره شود و تشخیص بدهند بینند راجع به میزان حقوق بالاخره رای آقایان بر چه قرار میگیرد بنده بنده باید در این باب مذاکره شود و يك اصلاحاتی چه از نظر تطبیق قانون استخدام با این مواد چه از نقطه نظرهای دیگر باید بشود و این مطالب حل گردد با اینکه هنوز این امر تصفیه نشده و مذاکراتی که لازم است ایراد نشده بطور میفرمائید مذاکرات کافی است آقای رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که تصویب بفرمائید قیام کنند (جمع کنیری برخاستند) آقای رئیس - تصویب شد پیشنهاد تنفس شده است قرائت می شود (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم تنفس داده شود آقای رئیس - رای میگیریم به این پیشنهاد قلدین - بنده توضیح نظامنامه ای دارم بفرمائید قلدین - چون يك قسمت از هرايش مرا آقای وزیر مالیه برخلاف جلوه دادند از این جهت نظامنامه بنده حق میدهد که توضیح بدهم ایشان فرمودند بعضی از مذاکرات بنده مبالغه بوده است و معنی مبالغه اینست که برخلاف واقع بوده گمان میکنم مقصودشان هم از مبالغه همان قسمت های وزارت مالیه بوده است اما این حساب شده است و ایشان در تمام مذاکراتشان حتی يك کلمه از وزارت مالیه نگفتند بنده مخالف نیستم که مستخدمین

فایز رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود (باین ترتیب قرائت شد) مقام محترم مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد می کنم کلمه (وفضاة) از ققره دوم ماده ۱۴ حذف شود آقای رئیس - آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - عرض میکنم در اینجا نوشته است (ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و فضاة از اول حمل تنگنویز است) بنده یکی از مخالفین این ماده هستم و از اول تا آخرش هم مخالفم نهایت مذاکرات کافی شده و نوبت بنده رسیده است تا هرايش خود را عرض کنم در این عبارت که نوشته شده است (ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری) اگر آقایان دقیق شوند ملاحظه خواهند نمود که يك مضراتی برای عده زیادی از مستخدمین بدبخت تولید خواهد کرد و در باره قسمت عده آنها ظلم خواهد شد شایدهم باشد که از این ترتیب منتعم خواهند شد بنده حالا وارد در اصل قضیه نمی شوم عرض میکنم کلمه (قانونی) که اینجا نوشته شده مخالفم و پیشنهاد کرده ام کلمه فضاة از عبارت ماده برداشته شود زیرا اگر فرض کنیم رتبه های مامورین هر وزارتخانه تا قبل از حمل تنگنویز ۱۳۰۲ قانونی نبوده است در صورتی هم که اینطور نیست باز فضاة مشمول این فرض نمیشوند زیرا آنها قیام داری رتبه و مراتب قانونی نبوده اند حال ماده ۱۶ قانون تشکیل عدلیه راضی خوانم (مراتب حکام و صاحب منصبان اداره مدعیان عمومی و مستخدمین عدلیه از افراد ذیل است ۱ - ریاست دیوان تمیز و مدعی عمومی دیوان مقور ۲ - ریاست شعبه دیوان تمیز ۳ - مستشاری دیوان تمیز و ریاست محکمه استیناف و مدعی عمومی استیناف و وکالت عمومی دیوان تمیز ۴ - ریاست شعبه استیناف و وکالت عمومی استیناف ۵ - ریاست محکمه ابتدائی و مدعی عمومی محکمه ابتدائی ۶ - معاونت وکالت عمومی استیناف و مستنطاق درجه اول و ریاست شعبه ابتدائی و ریاست محکمه نجات ۷ - عضویت محکمه ابتدائی و معاونت مدعی عمومی بدایت و مستنطاق درجه دوم و امانت صلح ۸ - معاونت عضویت محکمه ابتدائی

۹ دفتر داری محاکم منتهی ترتیب نمره را سابقاً از این بالا گرفته بودند و حالا بر عکس است علی ایحال فضاة تا قبل از حمل هم يك رتبه های قانونی داشته اند و ما نمیتوانیم بگوئیم رتبه های آنها از اول حمل قانونی خواهد بود لذا بقیه بنده کلمه فضاة باید حذف شود از سایر وزارتخانه ها هم يك شکایاتی میشد ولی چون مطابق اصل شانزدهم قانون اساسی وزارتخانه ها هنوز حاضر نشده اند قانون تشکیلات خودشان را ب مجلس بیاورند و مجلس هم هنوز آنها را ندیده است باین جهت وزارت عدلیه حق دارد مطابق تشکیلات خودش یک کملیات بکند ولی سایر وزارتخانه ها که قانون تشکیلات ندارند و تشکیلات اداری هیچ کدام هم صحیح نیست ماده شصت و شش هم که خراب است و باید اصلاح شود مهذا این ماده ۱۴ هیچ وجه این مسائل را اصلاح نمیکنند و بخصوص اگر این کلمه در اینجا باشد از نقطه نظر این که فضاة سابقاً يك مراتب قانونی داشته اند و در آن تاریخی هم که قانون استخدام جاری نبوده قانون تشکیلات عدلیه راجع بقضاة جاری بوده است از این جهت نمیشود فضاة را مشمول اول حمل کرد آقای رئیس - در حدود پیشنهادتان توضیح بفرمائید یاسائی - به علاوه قانون استخدام فضاة از اول حمل ۱۳۰۲ مجری شده است آقای منصور السلطنه معاون وزارت عدلیه هم حاضرند و میدانند که قانون استخدام فضاة از اول حمل اجراء شده بلکه اصلاح به از حمل تصویب شده و سه چهارم از حمل تنگنویز گذشته بود که ابلاغ و اعلام شد در اینصورت چطور ما میتوانیم رتبه های آن را حفظ از اول حمل ۱۳۰۲ قانونی بدانیم آقای رئیس - آقای تدین (اجازه) قلدین - بنده صدرو ذیل پیشنهاد آقای یاسائی را ملاحظه کردم متناقض و وکالت عمومی دیوان تمیز بنظرم آمد اولاً ایشان پیشنهاد کرده اند حذف یک جمله از ماده چهاردهم را و لازمه این پیشنهاد این است که معتقد بشوند به بقیه ماده و فقط این کلمه را عقیده دارند نباشد اما در وقت توضیح باصل ماده چسبیده بهتر این بود که پیشنهاد میکردند اصلاً این ماده حذف شود اما شامتها فقط باین جمله که باید باشد چسبیده و حذف ار را خواستند در صورتیکه مسئله تعیین رتبه قضاة در قانون بودجه باید باشد

خوب این پیشنهادا کردیم که چهل و پنج تومان ندهند آنوقت چه خواهد شد یاسائی - این راجع بقسمت بهداشت قلدین - ایشان باصل مطلب توجه نفرموده اند مقصود از این کلمه قانونی یعنی رتبه که بر طبق قانون استخدام تشخیص داده می شود آقای رئیس - چون عده برای رای کافی نیست تنفس داده میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و با فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) آقای رئیس - آقای عدل الملک فرمائید داشته باشید؟ عدل الملک - بنی بنده در دستور عرض دارم چون تجزیه شده است که در آخر جلسه موفق نمیشوم در تفسیر جلسات از عصر صبح مذاکره کنیم لذا تقاضا میکنم پیشنهاد بنده را قرائت کنند تا تکلیف آن معلوم شود آقای رئیس - شاهزاده محمد ولی میرزا (اجازه) محمد ولی میرزا - چون دستور مبین شده است و فقط چند تفریح زدند و تنفس داده شد بقیه بنده بعد از تنفس هم باید بقیه دستور را تقییب کرد که پس از تمام دستور پیشنهاد آقای عدل الملک مطرح بشود و بنده خود هم یکی از موافقین پیشنهاد ایشان هستم آقای رئیس - تعیین تکلیف دستور بامجلس است و هر وقت بخواهند تغییر داده شود يك نفر میتواند پیشنهاد کند و ایشان تقاضا میکنند قبل از دستور در پیشنهادی که کرده اند مذاکره شود حاج عز الملک - چون شاهزاده مخالف بودند باید رای گرفته شود آقای رئیس - رای میگیریم به مذاکره در پیشنهاد آقای عدل الملک آقایانی که موافقت قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) آقای رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای عدل الملک قرائت میشود (بشرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که جلسات چهار گانه مجلس از عصر صبح تغییر داده شود یعنی هفته چهار مرتبه شبیه یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر پنجشنبه ساعت قبل از ظهر آقای رئیس - آقای عدل الملک (اجازه) عدل الملک - نظری که در تعیین جلسات از طرف مخالفین صبح گرفته شد برای این بود که اگر جلسات عصر باشد بیشتر کار می شود يك پیشنهادی هم شد که بگردد روزی شود و آن يك روزی که افزوده شد البته مؤثر است یعنی آن ایامی که باید کار کرده اش زیاد تر می شود ولی اینکه گفته شده هر جلسه تشکیل شود بنده از چند جهت تولید

اشکال میکند - مطلوبات که يك شاخه مجلس بلکه يك شاخه تناور در مجلس هستند دچار اشکال شده اند برای این که آنها ساعت دوم و سه از شب رفته از اینجا مستخلص شوند و اخبارشان را حاضر کنند و بمطابق بدهند و آنها هم با حاضر کنند خیلی طول میکشد و این مسأله برای آنها دشوار و سخت است این از حیث زحمت و مطلوبات از طرفی دیگر مستخدمین مجلس در زحمت هستند گرچه آقایان برای این فرمودند ترتیبات اداره من در هر حال طوری است که هر قدر جلسه بطول انجامد مستخدمین مجلس مشغول انجام وظائف خودشان خواهند بود ولی بالاخره این از نظر حسن اداره است ولی از نقطه نظر اثر هم مستخدمین باید فکری کرد که آنها صبح زود می آیند و چون بعد از ماهم مدتی باید مشغول جمع آوری کارها و امورات خود باشند آن وقت ساعت پنج باشش از شب گذشته باید بروند و در آخر دوره فرودین آنهم در این باران شدید باز هم عرض میکنم اینکه عصرها را پیش نهاد کردم بر گردد بصبح برای این بود که خود آقایان و کلاء هم در زحمتند زیرا و کلاء از دونه خارج نبودند با وسائط نقلیه داشتند باید داشتند آنهایی که نداشتند از نقطه نظر باران و گل در زحمت بودند و آنهایی که داشتند مستخدمینشان که روی درشکه می نشینند از حیث باران و سرما در زحمت خواهند بود اگر از این زحمت باز منفعتی حاصل میشد بنده هم عرض میکنم این مشقت ها را باید تعدیل کرد و بالاخره بهر قرارداد ولی ما اینجا می نشینیم و گاهی هم ابرام می کنیم بدوام جلسه عصر و آن وقت می بینیم کم کم بتدریج از نفرت کاسته می شود و طبعاً مجلس از اکثریت می افتد بنابراین بنده در نظر دارم بنام مساعدت با آقایان و کلاء مثلاً آقای آقا میرزا سید احمد بهیانی که بنده مطلع هستم که منزل ایشان در وسط راه شیران است و ایشان باید چهار از شب گذشته (وسایط نقلیه هم ندارند) بروند منزلشان و مرجعی هم که نیست بنده يك چیز میخواهم عرض کنم و آن این است که گزارش داده شده که مثلا در يك کاری يك امین مالیه پادريك محکمه يك کسی سوء رفتاری کرده ولی قانون اداری خوبست و دال بر بدی قانون نیست آن يك معیشتی است و ممکن است يك امین مالیه هر حکمی میخواهد بکند ولی قانون باید خوب باشد سه ساعت بظهر آمدن مجلس خوبست ولی نیامدن در سراسر مجلس و نشستن

و کار نکردن و دوام ندادن این دلیل نیست که صبح بد است شورا گریص سه ساعت بظهر مانده بیاید اینجا بنشینند تا یک ساعت بعد از ظهر کار کنند هیچ محتاج بهر مستقیم بالاخره بنده این پیشنهادا کردم و قطع هم دارم در این چند جلسه آقایان امتحان فرموده اند که این ترتیب چه قدر اسباب زحمت شده و موافقت با این پیشنهاد خواهند فرمود که اساساً جلسات صبح باشد آقای رئیس - دوقره پیشنهاد دیگر هم رسیده آنها هم قرائت میشود بعد رای میگیریم (پیشنهاد آقای حاج میرزا - عبدالوهاب شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم جلسات علنی مجلس روزهای شنبه و پنجشنبه صبحها سه ساعت قبل از ظهر و يك شنبه و سه شنبه عصرها سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شود حاج میرزا عبدالوهاب - اجازه می فرمائید توضیح عرض کنم آقای رئیس - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای سر کشیک زاده رسید قرائت میشود توضیح بفرمائید (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم روزهای چهارشنبه هم طرف صبح جلسه مجلس علنی منعقد شود آقای رئیس - آقای حاج میرزا بهاب (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم از طرفین يك ادله ذکر میشود بعضی میگویند صبح خوبست و بعضی دیگر می گویند عصر خوب است و بنده پیشنهادی کردم که جمع بین این نظریات است و چون مقوم الملک در یکی از جلسات فرمودند چون امشب شب جمعه است جلسه زودتر ختم شود بنده برای تأمین نظریه ایشان هم پنجشنبه را هم پیشنهاد کردم صبح باشد که عذر شب با آقایان و کلاء مثلاً آقای آقا میرزا سید احمد بهیانی که بنده مطلع هستم که منزل ایشان در وسط راه شیران است و ایشان باید چهار از شب گذشته (وسایط نقلیه هم ندارند) بروند منزلشان و مرجعی هم که نیست بنده يك چیز میخواهم عرض کنم و آن این است که گزارش داده شده که مثلا در يك کاری يك امین مالیه پادريك محکمه يك کسی سوء رفتاری کرده ولی قانون اداری خوبست و دال بر بدی قانون نیست آن يك معیشتی است و ممکن است يك امین مالیه هر حکمی میخواهد بکند ولی قانون باید خوب باشد سه ساعت بظهر آمدن مجلس خوبست ولی نیامدن در سراسر مجلس و نشستن

بنده پیشنهاد می کنم جلسات علنی مجلس روزهای شنبه و پنجشنبه صبحها سه ساعت قبل از ظهر و يك شنبه و سه شنبه عصرها سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شود حاج میرزا عبدالوهاب - اجازه می فرمائید توضیح عرض کنم آقای رئیس - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای سر کشیک زاده رسید قرائت میشود توضیح بفرمائید (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم روزهای چهارشنبه هم طرف صبح جلسه مجلس علنی منعقد شود آقای رئیس - آقای حاج میرزا بهاب (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم از طرفین يك ادله ذکر میشود بعضی میگویند صبح خوبست و بعضی دیگر می گویند عصر خوب است و بنده پیشنهادی کردم که جمع بین این نظریات است و چون مقوم الملک در یکی از جلسات فرمودند چون امشب شب جمعه است جلسه زودتر ختم شود بنده برای تأمین نظریه ایشان هم پنجشنبه را هم پیشنهاد کردم صبح باشد که عذر شب با آقایان و کلاء مثلاً آقای آقا میرزا سید احمد بهیانی که بنده مطلع هستم که منزل ایشان در وسط راه شیران است و ایشان باید چهار از شب گذشته (وسایط نقلیه هم ندارند) بروند منزلشان و مرجعی هم که نیست بنده يك چیز میخواهم عرض کنم و آن این است که گزارش داده شده که مثلا در يك کاری يك امین مالیه پادريك محکمه يك کسی سوء رفتاری کرده ولی قانون اداری خوبست و دال بر بدی قانون نیست آن يك معیشتی است و ممکن است يك امین مالیه هر حکمی میخواهد بکند ولی قانون باید خوب باشد سه ساعت بظهر آمدن مجلس خوبست ولی نیامدن در سراسر مجلس و نشستن

حرف حسابی چیست ؟  
آن را ببینید جنابالی البته خودتان امتحان فرموده‌اید در این چند جلسه که شب افتاده گرو شلو باران چندر اسباب زحمت است ودلائلی را که آقای عدل‌الملک فرمودند برای بنده چیزی باقی نگذاشته که عرض کنم و کمان می‌کنم نشود در دلائل ایشان اعتراض کرد.

اماراج پیشنهاد آقای سرکشیک زاده که فرمودند چهارشنبه ها هم جلسه باشد گمان می‌کنم صحیح نباشد برای اینکه پس کمیسیون ها چه وقت کنار کنند ؟

البته باید کمیسیون ها کار برای دستور مجلس حاضر کنند و اگر غیر از این باشد کمیسیون ها نمیتوانند کار کنند.

**نایب رئیس** - آقای سرکشیک زاده (اجازه)

**سرکشیک زاده** - بنظر بنده قبل از اینکه يك نفر نماینده در پیشنهاد خود توضیح بدهد و دفاع از آن بشود رد آن پیشنهاد فاسد قبل از اجابت است . و پیش نهاد بنده هم در زمینه پیشنهاد آقای عدل الملک است زیرا پیشنهاد ایشان برای صبح است و بنده پیشنهاد صبح کرده‌ام لهذا تقاضا می‌کنم بنای پیشنهاد رای بگیرند اگر تصویب شد پیشنهاد بنده بعد از آن رای گرفته شود.

**نایب رئیس** - آقای تدین (اجازه)

**تدین** - بنده هم مخالف هم موافق (خنده نماینده کان) ولی این مخالفت و موافقت بنده از روی معالجه است در پیشنهاد شده بایکی مخالف و بادیگری موافق بایشهاد آقای عدل‌الملک کاملاً موافقم زیرا بر عملی که انسان می‌کنند مانع مصالح و مقتضیات وقت است

**آقای سید یعقوب** - دو موافق نمیشود صحبت کند

**تدین** - اجازه بدهید من هیچوقت از نظامنامه خارج نمیشوم

**آقای سید یعقوب** - آقای عدل‌الملک موافق بودند.

**نایب رئیس** - در پیشنهاد آقای سرکشیک زاده است

**تدین** - هیچ دلیلی بالاتر از این گل ها و باطلاهای نوی کوچی نیست ما خیال می‌کردیم مثل سالهای دیگر شاید يك برقی بیاید و بالاخره زمینها يك بعضی بیشتر دیگر حوادث جوی اینطور اقتضا کرده که ده دوازده روز است متوالاً باران آمده است.

باین باطالها و گل و شله‌ها چه موچی هست برای شب؟

قطع نظر از دیگران چرا ما خودمان را از حمت بیندازیم ؟

در صورتی که يك وقت بهتری که روز است داریم و می‌شود از يك گوشه کوچی رفت چه باعث است که ما آنرا ترک کنیم و شب بیندازیم .

بنابراین بنده موافق هستم که جلسات عصر به صبح بیفتد اعم از اینکه آن اشخاص وسائل نقلیه داشته باشند یا نداشته باشند آنکه ندارد از برای خودش اسباب زحمت است و آنکه دارد برای دیگران مخصوصاً این اتومبیل‌ها معلوم است با کمال و شلو چه میکنند .

بنا برین و اما پیشنهاد ایشان که خواستند يك اصلی را رعایت کنند (که الجمع همها امکان اولی) اولاً در جمع بین صبح و عصر در روز و شب آقا با ما موافقت تقاضا می‌کنم در روز و شب هم بهمان دلائل که عرض شد در موضوع صبح با ما موافقت کنند

**نایب رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقای سید یعقوب** - اولاً از آقایان استدعا می‌کنم توجه فرمایند در آن عرضی که بنده کردم که دو نفر موافق نمی‌توانند حرف بزنند .

**آقای تدین** و آقای عدل‌الملک هر دو موافق بودند و صحبت کردند بنده می‌خواهم عرض کنم يك اصل پارلمانی که از دوره چهارم تا اکنون معمول بوده بایستی محفوظ بماند و اما مسئله دیگر بنده این است که آن دلائلی که آقای عدل‌الملک بیان کردند و غیر ما شایسته که آقای تدین بگویند بنده در آنها هیچ عرض نمی‌کنم .

فقط استدعا می‌کنم وقتی که آقایان وارد مجلس می‌شوند با اصطلاح آقای سردار معظم که در دوره چهارم فرمودند نمک مطبوعات و معارف را داخل نکنند که مطبوعات يك شاخه عظیمی است از مجلس بنده عرض می‌کنم مطبوعات کاملاً تابع مجلس هستند و این منت را کردن آنها ننگدارند که آنها را از خودتان خوشحال کنید در تمام مسائل که ما داخل می‌شویم حتی در وضع قانون هم که می‌کنیم يك سلف و چاپلوسی هم باید باشد ؟

(همه بین نمایندگان)

**آقای سید یعقوب** - آقایان می‌خواهم عرض کنم ما آدم‌های رای می‌دهیم و قانون می‌گذرانیم آراشان مؤثر در مقدرات مملکت است .

مؤثر در سیاست مملکت است .

سیاست مملکت و مقدرات مملکت در دست ما است آخر بقدر این ناسخ و منسوخهای سابق مایبند در آراء خودمان دوام داشته باشیم .

بریز روز بود که با اکثریت رای دادند که چون صبح تا جلسه تشکیل شود نزد يك ظهر می‌شود و آقایان نرسند مسائل را تمام کنند و قوانین بحال خودش باقی میماند با يك ذوق و شوخی رای دادند که جلسات مجلس عصر باشد چون طولانی‌اند است و هر روز هیئت وزراء هم می‌توانند حاضر شوند و با يك ادله که همه فکر کردند آمدند اینطور رای دادند هنوز از تصویب آن وقتی نگذشته و هنوز در اطراف تنفس هم نگذاشته‌اند که

می‌خواهم رأی بدهیم تغییر کند !!  
مایبند تصویب نامان محکم باشد برای اینکه ما می‌خواهیم در مقدرات مملکت رای بدهیم .

ممکن است يك دلیل قطعی در واقع نقض کند رای مازا ولی نه اینکه ميل ؟  
تغییر و تغییر باشد .

در این کلامه خود را عرض می‌کنم بکسی جسارت نمی‌کنم بنده خود را مستخدم و خادم این ملک و مملکت می‌دانم . حقوق می‌گیرم و باید خدمت کنم دو سبه خدمات بنده در مجلس و در کمیسیون‌هاست و هیچوقت نشده است که ظفره بزنم حتی در موقع ناخوشی هم حاضر بوده‌ام و حالا هم حاضر هستم که کار کنم .

فقط مقصود این است که يك تذکره به آقایان بدهم که لااقل خوب بود بگذارند يکی دو ماه بگذرد .

بریز روزی دادیم عصر باشد . خوبست مجلس را تغنی و تغریب فرض نکنند و تا يك دلیل اساسی پیدا نکنند برای نقض رأیشان آراء خودشان را تغییر ندهند بهر صورت اگر ما باین زودی نقض کنیم رای خود را چطور می‌خواهیم روز را هر امشول خودمان قرار دهیم حالاً هم باز تفاوت با وجدان و انصاف خودتان است

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

**عدل الملک** - بنده اخذ از نظام نامه دارم .

**تدین** - ماده صد و یازده نظامنامه را بخوانند .

**نایب رئیس** - آقای عدل‌الملک اخطار تان را بفرمایند

**عدل الملک** - ایشان که از استقامت و ثبات صحبت فرمودند سابقه ایشان در مجلس نشان میدهد که ایشان باین اصل اهیت می‌دهند یا نه ؟

بنده در آن قسمت وارد نمی‌شوم که تلون رأی و اراده در کس است چه انحصاری کدام طرف را ملاحظه می‌کنند اما اینکه می‌فرمایند موجبی در تغییر رای نیست بنده آن حرف‌هایی که زدم موجب بود موجب قوی هم بود معارف پروری و نمک پاشیدن هم نبود اگر بنظر ایشان قدر قیمتی ندارد در نظر بنده خیلی ز قدر است

**آقای سید یعقوب** - بنده اینطور نگفتم هو نکیند

**سرکشیک زاده** - خفه شو .

(صدای زنگ نایب رئیس)

**عدل الملک** - ایشان بهر کسی می‌خواهند هرل و استعاره می‌گویند بنده یاد آوری می‌کنم که حضرت تالی مکلفید جلو گیری کنید و من چاپلوس و متلق نیستم .

(همه بین نمایندگان)

**نایب رئیس** - رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای عدل‌الملک آقایانی که موافقت قیام

فرمایند .  
(غالب نمایندگان قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب **یکتفیر از نمایندگان** - رأی لازم نیست مسترد می‌کنند

**نایب رئیس** - آقای سرکشیک زاده (اجازه)

**سرکشیک زاده** - بنده یکی از مخالفین جلسات شب بودم و علتش هم همان مذاکراتی بود که در جلسات قبل شد . . .

**نایب رئیس** - توضیح در پیشنهاد خودتان دارید .

**سرکشیک زاده** - آن توضیح نبود حالاً می‌خواهم توضیح بدهم که چرا پیشنهاد کردم يك جلسه اضافه شود و دلیل آن مذاکراتی بود که در سابق شد که مسائل و کارها متراکم شده و مجلس کمتر کار می‌کند حالا که يك مقضیاتی پیش آمده که از عصر جلسات صبح بیفتد بنده پیشنهاد کردم چهارشنبه هم جلسه شود و علتش هم این است که ما هر روز مجلس بیاییم و در کمیسیون‌ها هم حضور بهر سه‌شنبه و باین ترتیب خوبست در هفته پنج روز مقرر شود تا کارهای متراکم بگذرد .

**نایب رئیس** - رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای سرکشیک زاده که يك روز اضافه شود آقایانی که موافقت قیام فرمایند (هدد قلبی قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب نشد پیشنهادهای ماده چهارده مطرح است آقای حاج میرزا عبدالوهاب . (اجازه)

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده پیشنهاد می‌کنم جلسه ختم شود و بفرستند .

در پیشنهاد آقای یاسانی قبلی از تنفس مذاکرات شد و باید رأی بگیریم **یاسانی** - چون احتمال می‌رود که اصل ماده رد شود بنا بر این پیشنهاد خود را مسترد می‌دارم .

**نایب رئیس** - پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب قرائت میشود . (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم جلسه ختم شود **نایب رئیس** - رأی می‌گیریم آقایانی که با ختم جلسه موافقت قیام فرمایند (صدای قلبی برخاستند)

**نایب رئیس** - تصویب نشد پیشنهاد آقای کازرونی قرائت می‌شود . (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم که قسمت اول از ماده ۱۱ اینطور اصلاح شود ۱ - مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری بیست و شش تومان پاضافه حد

اکثر اختصاصاً برای مستخدمین رتبه اول و دوم و مقرری رتبه اول قضات عدلیه سی و شش تومان .

**نایب رئیس** - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - البته نظر باینکه این ماده مخصوصاً فوق‌العاده مهم است آقایان مرا مجاز خواهند فرمود که يك توضیحی بکنم که در خود این ماده است مشروحاً بیان کنم .

**نایب رئیس** - بطور اختصار بفرمایند کازرونی - بلی اختصار عدم اختصار يك امری است نسبی نه این که کلمات معنی نوشته شده باشد که چه میزان حد اختصار است و چه میزان غیر اختصار مثلا اگر شصت کلمه شد اختصار است و اگر هفتاد کلمه شد غیر اختصار بطور مختصر باشد که چیر فهمیده شود آقایان تصدیق دارند که بقدری بر مردم مملکت تعدیل شده و می‌شود و بطور های مختلفی امر مردم پول گرفته و مطالبه می‌کنند .

اهم از این که مطابقت با قانون بکند یا نکند که دیگر تاپ مقاومت را ندارند و دیگر نمی‌شود چیزی بر این مردم تعدیل کرد و از طرق مختلفه پول گرفته اند و حالاً هم می‌گیرند .

بالاخره آنچه ممکن بود از مردم بگیرند گرفته اند و آن همین مبلغی است که در بودجه پیش نهاد شده دیگر ممکن نیست و این پولی که مردم میدهند آقایان تصدیق دارند که قسمت ماده‌اش باید خرج اصلاحات مملکت شود از قبیل شوسه کردن راه و استخراج معادن و کشیدن راه آهن

حالاً بنده راه آهن نمی‌خواهم لااقل يك وسائل نقلیه که تا اندازه بتواند مملکت رفع احتیاجات خودش را بکند لازمست و يك مبلغی باید برای اینکار ها در نظر بگیرند و بعد از آنکه مبلغی را برای اصلاح مملکت در نظر گرفته باید آنچه باقی میماند تقسیم کنند بین مستخدمین کل و جزء

لیکن نیایستی يك طوری بودجه ما تشکیل یابد که اولاً بکلی معزوم از این اصلاحات باشد و این پولی که میدهند هیچ چیزش صرف اصلاحات مملکتی نشود .

يك بودجه معارف داریم صد و چهل هزار تومان برای ولایات می‌رود و بکندری هم صرف قشون میشود ولی باقی مربوط باصلاح مملکتی نیست .

اینجا این پولی که با اعضای ادارات و وزارتخانه‌ها تقسیم می‌کنند نمی‌گویند مستخدمین مظلوم هستند .

اولاً صحبت در ظالم و مظلوم نیست

اما در تقسیم يك ظالمی پیدا میشود و يك مظلومی .

البته اگر بنا باشد مستخدمین مظلوم باشند باید بگوئیم پول دهندگان ظالمند . اگر آنها هم مظلومند و اینها هم مظلوم پس ظالم کیست ؟ بنده می‌دانم در موقع تقسیم يك ظالم و مظلومی پیدا می‌شود . فرض اینست که ظالم و مظلوم در موقع تقسیم پول پیدا میشود .

این پولی که از مردم بیدبخت گرفته میشود در صورتی که بکلی از همه چیز معزومند

بنده میل دارم طوری تقسیم شود که بالاخره در روز آخر ما محتاج باینکه يك استقراری کنیم و مملکت را رهن نگذاریم نشویم مذبذبه‌دار ؛ ما همه ساله می‌بینیم مقداری قرض می‌کنند و کسر داریم . چنانچه حالا هم صحبت استقراری در میان آمده موفقتش حالاً نیست بنده عرض کنم از جمله موجهاتی که پیش آمده و بنده این پیشنهاد را کردم اینست که مبینم يك تیمی از دولت قائل شده است مثلا برای بعضی از وزارتخانه‌ها سی و دو تومان حقوق ثبات معین کرده اند

ولی بنده اطلاع دارم که برای وزارت پست و تلگراف حقوقشان را بیست تومان و پنج تومان بلکه کمتر معین کرده‌اند .

مثلا اطلاع دارم که يك مستخدم ده ساله را در ولایات ماهی ده تومان میدهند در صورتی که ده دوازده سال خدمت کرده اند و سابقه دارند

بنده نمیدانم در صورتی که باید حقوق طبقه اول سی و دو تومان داده شود حالت این که در مستخدمین پست و تلگراف تبعیض شده چیست ؟

حالت اینکه يك نایب الحکومه در وزارت داخله ماهی پنجاه تومان . . .

**نایب رئیس** - آقای کازرونی مختصر کنید .

کازرونی - چشم - خلاصه عرض بنده این است این مبلغی که بنده پیشنهاد کردم که درجه اول بیست و شش تومان معین شود برای این که نگویند حقوقشان کم است عرض می‌کنم حد اکثر آنها بدهند این تقریباً میشود سی و دو تومان و يك تومان بعد از درجه اول چهل تومان و پنجاه تومان رو ببالا می‌رود اگر چنانچه کسر میشود

از آن درجه اول که حقوقش کمتر است کسر نشده ولی از کسانی کسر میشود که در واقع میتوانند با حقوقی که دارند ادامه بزند گاهی خود بدهند و همچنین راجع بقضات .

مخبر - بنده خیلی متأسفم که همیشه

تصادف می‌کنم با مسائل خارج از منطقی که آقای کازرونی می‌فرمایند .

اینجا آمدند يك قسمت الفاظی در این پشت تریبون فرمودند که بنده نفهمیدم اینها چه مربوط بود با شلو و حد اقل حقوقات یکدفعه فرمودند از تمام پول‌هایی که گرفته میشود

صد و چهل هزار تومان به مصرف معارف ولایات میرسد و بقیه خرج اصلاحات نمیشود معلوم نبود اصلاحاتی که در نظر گرفته اند چیست ؟

یعنی صد و چهل هزار تومانی که خرج معارف میشود شما آن را اصلاحات میدانید و بقیه را اصلاحات نمیدانید ؟

این ادارتی که هست از قبیل عدلیه مالیه خارجه و توائف عامه که خودتان از طرق و شوارع فرمودید خرج اینها را اصلاح نمیدانید ؟

در صورتیکه سایر آقایان آن چیزهایی را که شما اسمش را اصلاحات می‌گذارید اصلاحات نمیدانند و اینها را اصلاحات میدانند يك قسمت فرمودند مظلوم مستخدم است ظالم پول دهنده است و با بالاخره ظالم کیست مظلوم کیست اینجا ظالم و مظلومی در بین نبود هیچکس ظالم نیست صحبت ظالم در بین نبود بزرگ قسمت‌ها در اینست که در اینست که وزارتخانه‌ها تبعیض می‌شود .

در يك وزارتخانه ثبات را متعادلست دیگر خبر از سایر وزارتخانه‌ها ندارند

مثلا در خود وزارت مالیه ثبات‌های معلی هست که شانزده هفتد تومان بآنها میدهند این تعیین حد اقل که معین کرده‌اند سی و دو تومان حتم نیست که هر ثباتی سی و دو تومان بگیرد خیلی جاها ثبات معلی راه‌افند تومان و شانزده تومان و بیست تومان و بیست و پنج تومان حقوق میدهند و این بودجه کنعایش این را ندارد که شانز بنا در خودتان گرفته با آن سرمایه تمام ثبات‌ها را سی و دو تومان بدهند و اما يك چیز دیگری آخر فرمودند که بنده نفهمیدم فرمودند که بیست و شش تومان بدهند ولی در قسمت بالا چندان تفاوت نخواهد کرد جنابالی که خودتان را حامی ضعفا معرفی فرموده‌اید چطور می‌فرمایند يك ثبات پایست و شش تومان حقوق زندگانی کند ؟ یا يك قضای که از اول صحت عمل می‌خواهد با بیست و هشت تومان چطور میتواند صحت عمل بخرج دهد و زندگانی خودش را با این مبلغ اداره کند ؟

آن وقت برای این مبلغ حدا کثر قائل میشوید و می‌گویید چهار تومان و پنج تومان حدا کثر آن میشود بنده نمیدانم در کجای قانون استخدام این حدا کثر را که جناب عالی فرمودید وجود دارد ؟

همچوحد اکثری در هیچ کجای این قانون وجود ندارد .

کازرونی - بنده توضیح دارم .

**نایب رئیس** - توضیح نظامنامه دارید ؟

کازرونی - بلی اول يك نیستی آقا به بنده دادند که آن نسبت خلاف منطق بود چون ایشان همیشه در جواب اظهارات آقایان نمایندگان تعجب می‌کنند و اظهارات آقایان بنظرشان خیلی بی‌منطق است . توضیحاتی که بنده دارم این است که این پولی که گرفته میشود خرج اصلاحات نمیشود . فقط صد و چهل هزار تومان مثلا برای معارف ولایات تشخیص میدهند بنده عرض کردم حالا که می‌خواهید این مبلغ را با اجازه وزارتخانه‌ها بدهید طوری تقسیم کنید که مملکت مقروض نشود این حرف بنظر آقا برخلاف منطق می‌آید .

من نمی‌فهم نظر آقا چگونه است و چگونه باید حرف زد که آقا کمتر تعجب کنند و خلاف منطق را ملتفت شوند بنده پیش از این چیزی عرض نمی‌کنم .

مخبر - الان مجلس تصدیق خواهد کرد که بنده بی‌منطق صحبت کرده‌ام یا شما .

**نایب رئیس** - رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای کازرونی آقایانی که موافقت قیام فرمایند . (کسی قیام نکرد)

**نایب رئیس** - تصویب نشد . پیشنهاد آقای شیخ محمد علی تهرانی راجع بدستور است قرائت میشود (باین عبارت قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می‌نمایم که رأی بدو راجع ببقیه فقرات جمع‌الزاده اول گرفته شود و بعد بقضات ماده ۱۹ **نایب رئیس** - آقای تهرانی (اجازه)

**آقای شیخ محمد علی تهرانی** - عرض می‌کنم که بودجه عبارت از جمع و خرج مملکت است دولت از اقلام جمع صد و بیست و دو هزار تومان است که يکی از آن عبارتست از نیم‌هشتر اوقاف و دیگر عبارت از خانواری است بنده هنوز مردم که آقا یا بافقارای خواهند داد یا نه ؟ فرضاً اگر معین کرده‌اند صد و بیست و دو هزار تومان شما کسر دارید .

آیا برای این کسر باید دست استقراض را دراز کرد بیش بانک ها و بگوئیم با قرض بدهید یا اینکه يك مالیات جدیدی وضع کنیم و تعدیل کنیم بر ملت و مملکت ؟

و بر حسب اتفاق اگر صد و بیست و دو هزار تومان کسر شود از مالیه کسر نمی

شود فقط وزارت معارف - عدلیه - داخله و فوائد عامه توی سرش میخورد و این مبلغ از آنها کسر میشود از این جهت است که بنده تقاضا میکنم اول ماده عایدات مطرح شود که بیستم جمع و خرج مسادی است یا نه؟ اگر مطابق با خرج می شود اصل را باید تقیر داد -

برای خاطر اینکه هشتاد هزار تومان از بودجه عدلیه کسر شده و صد و چهل و هفت نفر امروز بیچاره و بدبخت گرفتارند و اگر کس فردا هم این کسر شد این مبلغ را باز از عدلیه و معارف و سایر وزارت خانه ها کسر می کنند و از مالیه هیچوجه منالوجه کسر نمی شود پس بنده تقاضا می کنم ابتدا تکلیف آن دو فقره را همین کنند یعنی رای در آن گرفته بشود اگر کسر آمد کسر اصل معین شود و اگر کسر نیامد باین ترتیب رای بدهند

**نایب رئیس** - آقای مشار اعظم مخالفید؟

**مشار اعظم** - بلی

**نایب رئیس** - بفرمائید

**یک نفر از نمایندگان** - عضو کمیسیون نیستند

**نایب رئیس** - این راجع بدستور است

**مشار اعظم** - علت مخالفت بنده این است که ما از روز قبل و امروز وارد بحث ماده چهاردهم هستیم و حالا میدانیم باجه سلیقه و عقیده میتوانیم رای بدهیم و مطالب را باهم مخلوط کردن اسباب اختلاف حواس و عدم تشخیص موضوع است

مادر اینجا آمده ایم که معلوم کنیم نظریه مجلس شورای ملی را در این ماده که نظر موافق دارد یا مخالف معلوم شود و حالا معلوم نیست که تکلیف این ماده چه باشد

بعلاوه اگر آقای طهرانی مقصودش از این پیشنهاد این است که نمیخواهند این دو فقره یعنی خانواری و نیمه مشراوقاف تکلیفش معلوم بشود بنده گمان میکنم حالا موقعش نباشد بنا بر این بنده گمان میکنم چنانچه این موضوع بماند برای جلسه دیگر بهتر باشد شاید اکثر نمایندگان مخالف یا با هر دو با یکی از آنها موافق شوند که در عایدات نکتی پیدا نشود

این است که بنده صلاح نمیدانم عجاتا آن دو فقره مطرح شود

**نایب رئیس** - رای می گیریم به آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید

(عده قلیلی قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد - دو فقره پیشنهاد راجع بهتم جلسه رسیده است قرائت میشود

پیشنهاد آقای وکیل الملک و آقای

مقوم الملک بشرح ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود

**نایب رئیس** - آقای ندین (اجازه)

ندین - توضیح بدهند بعد بنده عرض میکنم

**تدین نایب** - آقای وکیل الملک (اجازه)

**وکیل الملک** - اینجا نیم ساعت قبل پیشنهاد ختم جلسه شد و آقایان رای ندادند بنده چون میدانم این ماده امشب تصویب نخواهد شد

شاید هم بشود بنده میدانم شاید تصویب شود یا نشود

بهر صورت آقایان چون غصه شده اند و شاید هم خیلی طول بکشد و پیشنهادهای زیادی هست و بالاخره شاید در دقیقه دیگر یکی یکی از آقایان بیرون بروند و عده برای رای و مذاکره کافی نباشد لهذا بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود

**نایب رئیس** - مخالفت چیست؟

**بعضی از نمایندگان** - رای بگیریم

**نایب رئیس** - رای بگیریم بختم جلسه آقایان موافقت قیام فرمائید (جمعی قیام نمودند)

**نایب رئیس** - بالا تکلیف مانده مجدداً رای میگیریم - آقایانی که موافقت قیام فرمائید

(غالب نمایندگان برخاستند)

**نایب رئیس** تصویب شد - جلسه آتی پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر بقیه مذاکرات در بودجه

**بعضی از نمایندگان** - صبح است (مجلس سه ساعت و ربع کم از شب گذشته ختم شد)

**نایب رئیس** مجلس شورای ملی - سهام - السلطان بیات

منشی علی - اقبال الملک

منشی - معظم السلطان

**صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه چهارم رجب جلدی ۱۳۰۴ مطابق بیستم هشتم شهر جمادی الاولی ۱۳۴۴**

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر ریاست آقای مومن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه دوم جلدی را آقای اقبال الملک قرائت نمودند

**رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم

**رئیس** آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده** - آقای آفایشخ هادی شیخ الرئیس را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان گرفتاری داشتند و من هم از طرف ایشان استعفا کرده بودم - استعفا میکنم امر اصلاح بفرمائید

**رئیس** - از کمیسیون تحقیق می شود بعد اصلاح میشود - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

**حاج میرزا عبدالوهاب** - چند روز قبل کفایتی در توی جبهه بنده بود (البته درجه های سایر آقایان هم که در ورته مرحوم حاج دبیر الدوله بود بنده خواستم تقاضا کنم کدولت از این قبیل کارها جلوگیری کند در صورتیکه این ها رفته اند و عدلیه تقاضا کرده انداز مدعی هاسر خود نروند و دولت مردم را تصرف کنند هر طوری که عدلیه حکم داد همان طور رفتار شود والا تعدلیه حکم نداده بی خود چند نفر دور هم جمع نشوند و بروند توی ملک مردم بریزند این ترتیب تولید هرج و مرج میکند - تقاضا میکنم از طرف مقام ریاست بدولت تذکره داده شود که از این قبیل کارها جلوگیری نمایند

(گفته شد صحیح است)

**رئیس** - آقای طهرانی (اجازه)

آفایشخ محمدعلی طهرانی - چون آقای وزیر فوائد عامه تشریف بیاوردند بنده عجاتاً عرضی ندارم سؤالی از ایشان داشتم

**رئیس** - آقای کازرونی (اجازه)

**کازرونی** - مدتی است چند خبر از کمیسیون عراض راجع به برخی آقایان و کلا نقیاً و اثباتاً صادر شده و چند وقت است معطل مانده تقاضا میکنم که مکرر تذکر میدهند یعنی منتظرند که تکلیفشان از طرف مجلس معلوم شود - خواستم استعفا کنم اگر چنانچه مقضی باشد جزه دستور امروز گذارده شود

**رئیس** - دو نفر از آقایان نمایندگان از نمایندگی استعفا داده اند - استعفا نامه هاشان قرائت میشود - یکی آقای دبیر اعظم است یکی هم آقای حاج مزالملک (آنی قرائت شد)

مقام محترم مجلس شورای طهرانی اشخاصیکه بپریان زندگانی بنده سابقه دارند میدانند که بدون پیرایه و ریب و ریا خدمت بوطن همیشه باید آل مرانشکیل داده و در این راه آنچه توانستام و مقدموم بوده مضایقه نکرده ام نظر اینکه خدمت بملکت در هر شور اوهر مقام یکسان و وفلا بامیدیکه شاید در خارج مجلس بهتر بتوانم خدمات منصوره کسب موفقیت

نمایم و نیز بامید اینکه کرسی خود را در مجلس بلا تفسیر از خود تقویض نموده باشم لهذا از همین مرکز خوزستان استعفا خود را از نمایندگی تقدیم مقام محترم ریاست مجلس نموده و بی شرف مقاصد ملی مجلس را قلباً از خداوند مستثنا میدانم دبیر اعظم

**رئیس** - استعفا نامه آقای حاج عزه الممالک قرائت میشود

**حاج میرزا یاسائی** - بنده قبل از قرائتش اجازه میخواهم

**رئیس** - بفرمائید

یاسائی - میخواهم تقاضا کنم قرائت استعفا نامه ایشان بماند برای جلسه دیگر

**رئیس** - خودشان از من تقاضا کرده اند قرائت شود

(اینطور قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیدانه ارکانه - بنا بهایت ناسف استعفا خود را از نمایندگی مجلس شورای ملی تقدیم آن مقام منبع داشته موفقیت آقایان نمایندگان محترم را در خدمات ملی از خداوند تعالی مستثنا میکنم

**رئیس** - آقای امیر حشمت (اجازه)

امیر حشمت عرضی ندارم

**رئیس** - آقای وکیل الملک (اجازه)

**وکیل الملک** - بنده هم میخواستم تقاضا کنم که استعفا نامه آقای حاج مزالملک قرائت نمود که قرائت شد

**رئیس** - آقای ناصر الاسلام - بنده هم همینطور

**رئیس** - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - عرض بنده هم همین بود

**رئیس** - در ماده چهاردهم بودجه که مذاکرات کافی شده است حالا باید پیشنهادات قرائت شود - در تعقیب راپرت ۲۲ مغیر کمیسیون گویا یک پیشنهاد دیگری کرده اند - آقای عماد السلطنه این پیشنهاد که کرده اید از طرف کمیسیون بوده است؟

**عماد السلطنه** - بلی مربوط به جزء اول ماده چهاردهم است و از طرف کمیسیون هم هست

**رئیس** - آقای عماد السلطنه پیشنهاد چنانچه ای گویا دیگر مورد ندارد

**عماد السلطنه** - بنده مسترد میدارم

**رئیس** - از پیشنهاد ثانی مغیر کمیسیون مطلع هستم؟

**بعضی از نمایندگان** - خیر

**رئیس** - قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

در تعقیب راپرت ۲۲ قسمت ۱ از ماده چهاردهم در بطریق ذیل اصلاح و تقدیم می نمایم عماد السلطنه

۱ - مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری سی و دو تومان و مقرری رتبه اول قضات چهل و پنج تومان

**رئیس** - همچنین پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا دیگر مورد ندارد

**محمد ولی میرزا** - اجازه میفرمائید توضیح بدهم

**رئیس** - با این پیشنهاد اخیر کمیسیون دیگر پیشنهاد جنابعالی مورد ندارد

**محمد ولی میرزا** - صحیح است

**رئیس** - همین طور مالک آقای داور

**دایر** - بنده اصل ماده را بشکل دیگری نوشته ام

**رئیس** - آقای مشار اعظم چه طور مسترد میدارید؟

**مشار اعظم** - خیر

**رئیس** پیشنهادها قرائت میشود (پیشنهاد آقای داور بمضون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهاردهم ترتیب ذیل اصلاح شود

کلیه وزارتخانه ها مکلف خواهند بود که بودجه تفصیلی خود را بادر نظر گرفتن قانون استخدام تهیه نمایند

**رئیس** - (خطاب با آقای داور) بفرمائید

**دایر** - این پیشنهاد را بنده قبلاً داده بودم - پیشنهادی هم در همین زمینه آقای مشار اعظم تهیه کرده اند که آنرا هم بنده امضاء کرده ام این پیشنهاد برای این است که یک قسمت راجع به حداقل حقوق است که خود درات و کمیسیون بودجه بالاخره قبول کردند و همان سی و دو و چهل و پنج تومان را معین کردند قسمت دیگرش که بادر نظر گرفتن قانون استخدام است برای این بود که جانشین سایر قرائت ماده چهاردهم شود - فقراتی که در ماده چهاردهم بود واقع تفسیر قانون استخدام بود و ما خیال کردیم بجای این که یک فقراتی در ماده چهاردهم باشد که قانون استخدام را تفسیر کند اگر بطور کلی این قسمت را بنویسیم که بادر نظر گرفتن قانون استخدام بودجه وزارتخانه خودشان را تهیه نمایند بهتر باشد - چون در راپرت کمیسیون نوشته شده بودجه را باید با در نظر گرفتن اصول ذیل تهیه نمایند و در ذیل آنهم چند فقره نوشته بودند بنده بجای (اصول ذیل) پیشنهاد کردم - بادر نظر گرفتن قانون استخدام تهیه نمایند و گمان میکنم اینطور بهتر باشد - حالا اگر قانون استخدام خوبست باید است کاری بآن ندارم ولی مادام که بقوت قانونی خودش باقی است باید رعایت بشود - یکی دیگر از مسائلی که در ماده چهاردهم بود مسئله رتبه ها و حداقل حقوق بود که از ابتدا عهده هزار و

سیصد و دو در نظر بگیرند و بنده چون با این قسمت اخیر ماده هم مخالف بودم پیشنهاد حذف هم نمی توانستم بدهم این بود که ماده را با این طریق نوشتم و تقدیم کردم که هم مسئله با که نوشته شده از اول ۱۳۰۲ منظور شود و هم حداقه حقوق از بین برود

**رئیس** - چرا ممکن بود تقاضای تجزیه بکنید

**احقر** - بنده تقاضای تجزیه میکنم

**رئیس** - چون یک قسمت از پیشنهاد ایشان همین رایت کمیسیون بودجه است لذا بآن قسمتی که راجع بقانون استخدام است اخذ فرمای میشود

دوباره قرائت میشود (مجدداً شرح سابق قرائت شد)

**رئیس** - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجهش میدانند قیام فرمائید

(غالب قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه شد

پیشنهاد آقای مشار اعظم دیگر موردی ندارد

**مشار اعظم** - پیشنهاد بنده هم همین مقصود را متضمن بود منتهی بنده ماده را بطور تکمیلی نوشته بودم حالا دیگر گمان نمی کنم لازم باشد ولی اگر ممکن است بفرمائید قرائت کنند

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۴ بترتیب ذیل نوشته شود

ماده ۱۴ میزان مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری سی و دو تومان و مقرری رتبه اول قضات چهل و پنج تومان است و روزارت خانه ها مکلفند بودجه تفصیلی هندهالسنه سیچقان ذیل ۱۳۰۳ را با رعایت مقررات قانون استخدام تهیه نمایند

**رئیس** - عین همانست - پیشنهاد آقای شریعت زاده

**تدین** - ایشان فائیند

**رئیس** - عین پیشنهاد کمیسیونست

معهذا قرائت میشود

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت ب و ج ماده ۱۴ قانون بودجه حذف و ماده مزبور بترتیب ذیل نوشته شود: ماده ۱۴ مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری سی و دو تومان و مقرری رتبه اول قضات چهل و پنج تومان خواهد بود

**رئیس** - پیشنهاد آقای آفایشخ جلال

**آفایشخ جلال** - بنده استرداد می کنم

**رئیس** - پیشنهاد آقای سید یعقوب (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که وزارت مالیه مکلف است تفاوت حاصله بین حداقل و اکثر را یکسری بکند و وزارت مالیه و معارف وارد شده برسانند

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنا بر تحقیقاتی که آقای ندین کرده اند و در این جا هم بیان نمودند و گمان میکنم بیانات ایشان ذهن همه آقایان را متوجه ساخته است و بطور ارسال مسلم کلمات ایشان بقرینه شد بمعهم آقای باسائی شرحی راجع به انحلال عدلیه ها صحبت کردند حقیقتاً با بودن دوره پنجم و آقایان نمایندگان انحال عدلیه ها (که خیلی نظریات سیاسی و اساسی درش هست مثل عدلیه استر آباد و کردستان و قزوین نمایندگانی چه صورتی دارد - خلاصه با اظهاراتیکه آقای ندین کردند چون کاملاً از بودجه مستحضرند و با بیاناتیکه آقای باسائی نمودند و کمالات اوضاع عدلیه مستحضرند اگر ما یک قسمت از ماده چهاردهم را ملاحظه کنیم از این جا یک تعاونی حاصل خواهد شد که لااقل صدوشش هزار تومان خواهد شد این بود که بنده این پیشنهاد را کردم که صرف عدلیه ها بشود و آنها را منحل نکنند یعنی همانطور که آقای باسائی فرمودند اگر سی و چهل هزار تومان بعد از ایالات بدهیم منحل میشوند - نظر باین مطالبی که در نظر نماینده محترم و مطلع فرمودند و نظر باینکه انحلال عدلیه ها فوق العاده مضر است بنده پیشنهاد کردم که در رتبه از این محل پیدا میشود یعنی ششاد وزارتخانه ها قبول میکنند که حداقل بگیرند و صرف عدلیه و ایالات بکنند و نگذارند این عدلیه ها منحل شود

**رئیس** - گمان می کنم در این پیشنهاد نیسود رای گرفت - همچنین پیشنهاد آقای سلطان العلماء

**سلطان العلماء** - بنده مسترد میکنم

**رئیس** - پیش نهاد آقای میرزا بداله خان

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده چهاردهم جمله بعد از بترتیب ذیل اصلاح شود

رتبه مستخدمین مطابق قانون رتبه ایست که با سابقه خدمت و دوسیه آنها تطبیق نمایند

**رئیس** - آقای میرزا بدالله خان (اجازه)

یک نفر از نمایندگان - نیستند

**رئیس** - چون نیستند گمان نمی کنم بشود رای گرفت

**مدرس** - ربطی هم باین قانون ندارد

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این جمله در جزء دوم ماده ۱۴ علاوه شود: رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضات با در نظر گرفتن سابق مدت خدمت از اول حمل تنگوزیل خواهد بود

**رئیس** - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

**شیخ الرئیس** - اگر چه این ماده یعنی پیشنهاد یکی از آقایان قابل توجه شد که بارعایت قانون استخدام نوشته شود ولی این پیشنهاد بنده را مستغنی نکرد - البته کمیسیون هم عقیده اش این است که موافق با قانون استخدام باشد نه مخالف قانون ولی چون ایجاد دیگر تفسیر کرده اند لذا بنده متضنی می دانم که نوشته شود - بادر نظر گرفتن سابقه خدمت و لوازمیکه بعضی از آقایان فرمودند اشکال وارد می آید و اگر رتبه ها از اول تنگوزیل معین شود تواید اشکالات میکند و بهر کل باید ثبات شود با ثبات چهارده ساله بامید معین شدن خدمت سابقه خدمت مقصود از پیشنهاد بنده هم این نیست بلکه مقصود این است سابقه خدمت آنها در نظر گرفته شود یعنی اگر کسی میخواهد یک رتبه برسد یا اگر دولت یک مدیری لازم داشته باشد مطابق قانون استخدام باید سابقه اش را به بیست و یکست و کمی که در روز آمده است برای مدیری انتخاب نکند

این است که بنده پیشنهاد کردم بادر نظر گرفتن سابق خدمت نوشته شود تاریخ اشکال آقایانم شده باشد

**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - آقای سلطان العلماء پیشنهاد شامعین همان پیشنهاد کمیسیونست راجع بسی و دو تومان

**سلطان العلماء** - بنده مسترد داشتم

**رئیس** - پیشنهاد ثانوی شاهزاده شیخ الرئیس هم راجع بسی و دو تومان و چهل و پنج تومانست

**محمد هاشم میرزا** - چون کمیسیون خودش قبول کرده است محتاج برای نیست

**رئیس** - پیشنهاد آقای کازرونی هم در همین زمینه است مسترد میدارند؟

**کازرونی** - بلی

**رئیس** - پیشنهاد دیگر شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم چون ماده چهاردهم جزء دارد اول بودجه از اول میزان ۲ مقرری رتبه اول ۳ - ابتدای رتبه ۴ - حداقل حقوق لهذا تقاضا میکنم جدا جدا مطرح و جدا جدا رای گرفته شود

**رئیس** - پیشنهاد آقای شیروانی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم قسمت ذیل بقرات سه گانه ماده ۱۴ ضمیمه شود:

دولت مکلف است که نسبت بتمام وزارتخانه ها بطور تساوی قانون استخدام را رعایت نماید

**رئیس** - رای گرفتن در این پیشنهاد یک قدری مشکل است چون قانون نوشته شده است برای این که بطور تساوی عمل

شود (جمعی از نمایندگان صحیح است) **شیر وانی** - اجازه بفرمائید توضیح بدهم.

**رئیس** - توضیح بدهید بعد ببینید میشود رای گرفت یا نه؟

**شیر وانی** - در این جا موافقت و مخالفت این ماده تمام تکلیف ما را نشان این است که قانون استخدام در وزارتخانهها اجرا نمیشود و این یک چیزی نیست که مخفی باشد.

نیات وزارت معارف در لایحه داشت تومان بگیرد نیات وزارت مالیه پنجاه تومان ما خودمان دیده ایم قانون هم البته همان طور که مقام ریاست میفرمایند واجب - الاجراء است ولی متاسفانه اجرا نمیشود همانطور که آقای داور پیشنهاد فرمودند که نوشته شود مطابق استخدام و قابل توجه هم شد بنده هم این کلمه را بعد از از آن ضمیمه میکنم که نوشته شود نسبت بشام وزارت خانه بطور تساوی برای اینکه ما می بینیم نسبت تمام وزارت و خانه ها رعایت تساوی نمیشود مثلا وزارت عدلیه یا وزارت معارف که اجزایش را در ولایات ملاحظه می کنیم می بینیم نسبت اداره معارف در استانها حقوق مساوی است با حقوق متشی سوم وزارت مالیه این یک چیز عجیبی است آنوقت اینجهام میفرمایند خیلی خوب اجرا میشود بنده نمیدانم طریق رفع این اشکال چیست جز اینکه در یک قانون دیگر که می نویسیم مخصوصا تذکر بدیم که در همه وزارتخانه ها بطور تساوی اجرا شود کما اینکه تذکر می دهیم که مطابق استخدام بود در آنچه کنند در این حال ضرر ندارد یک کلمه بطور تساوی بین وزارتخانه ها هم بآن اضافه کنیم.

**وزیر مالیه** - اینجا بنده خیلی میل دارم آقایانی که این اطلاعات را دارند از روی دقت و صحت به بنده اطلاع بدهند به بینم مثلا کدام نیات وزارت معارف هشت تومان حقوق میگیرد و کدام نیات وزارت مالیه است که پنجاه تومان حقوق دارد این اطلاعات را اگر بیده بدهند خیلی ممنون می شوم زیرا بنده تصور می کنم این نیست.

**شیر وانی** - است بنده یک صورت مینویسم بدهم.

**رئیس** (خطاب بشیر وانی) اگر گمان میفرمائید که قوانین اجرا نمیشود باین هم که رای بدهید اجرا نمیشود در اینصورت گمان میکنم نشود رای گرفت - (گفتند صحیح است تقاضا شده است که ماده چهاردهم تجزیه بشود چون پیشنهاد آقای داور قابل توجه شده است این ماده برمی گردد بکسیبسون برمی گردد بده اول

سلطان العلیا اجازه میفرمائید. **رئیس** - بفرمائید سلطان العلماء پیشنهادیکه شده بود آقای رئیس التجار هم امضا کرده بودند بنده مسترد کردم ولی ایشان معلوم نیست مسترد کرده باشند.

**رئیس التجار** - پیشنهادی با مضای بنده و آقای سلطان العلماء تقدیم شده است آن پیشنهاد خوانده نشده است.

**رئیس مفادش را بفرمائید.**

**رئیس التجار** - راجع باینکه حداقل و اکثر مقرریها برای همه السله باشد تا آخر سال.

**رئیس** این از بدیهیات است درماد اول باید رای بگیریم بخانوارانی و نیم عشا اوقاف یک نفر از نمایندگان باورده باید رای گرفته شود.

**رئیس** باورده رای گرفته میشود مدرس اجازه میدهد یک سؤالی بکنم رئیس مذاکرات کافی شده است مدرس این سؤال را می خواهم عرض کنم که تکلیف من معلوم شود در رای دادن چون عقیده بنده این است بخانوارانی که باید رای نداد معنائش این است که بر گردد بحالت قدیمش عقیده من این نیست که خانوارانی بکلی موقوف شود عقیده من این است که باید رای نداد یعنی الان مالیه خانوارانی را بگیرد و بعضی خانوارانی که در سابق می گرفت حالا بک استرضائی هم در ولایات می گیرد عقیده من این است که باید رای نداد معنائش این است که خانوارانی بر گردد بحکمت قدیمش و دیگر استرضائی گرفته نشود این رای ندادن ما معنائش این است که استرضائی گرفته نشود و خانوارانی بجای آن استرضائی بسرباز داده شود رئیس - اگر هیچ چیزی میخواهید رای بدهید باید یک ماده مستقلی بنویسید ولی اگر این جا رای ندادید بخرافه حذف شد چیزی حالی از این مطلب در قانون نخواهد بود.

**محمد هاشم میرزا** - شیخ الرئیس - بنده در موضوع رای عرض دارم **رئیس** - بفرمائید **شیخ الرئیس** - چون گاهی نظایر این که اتفاق می افتاد که بکرتبه بلاتکلیف میشد و دومرتبه رای می گرفتند بعد از دو مرتبه بلاتکلیف بودن مرتبه سوم یا چهارم را بنده بخاطر ندارم مقصود این است که امروز هم اگر بلاتکلیف بشود باز در مرتبه چهارم باید رای بگیریم یا ترتیب دیگری دارد؟

به عقیده بنده خوب است این مسئله تکلیفش همین شود که آیا این رای سومی رای آخر است یا اینکه هر روز صبح باید تجدید

رأی شود؟ **رئیس** - همان حکمتی که اقتضای کند اگر در دفعه اول بلاتکلیف ماند در دفعه دوم هم رای بگیریم همان حکمت اقتضا میکند که در دفعه سوم و چهارم و پنجم هم رای بگیریم (بعضی از نمایندگان صحیح است) **رئیس** - رای گرفته میشود بخانوارانی مبلغ هفتاد هزار تومان آقا اینکه تصویب میکنند ورتنه سفید و الاورقه کبود خواهند داد.

(س از اخذ واستخراج آراء نتیجه اینها در حاصلا شد) **وزیر مالیه** - اجازه میفرمائید بنده رای بگیرم **رئیس** - عده حاضر ۹۷ با کثرت اسامی موافقین **آقایان** آقا میرزا شهاب الدین - ارباب کبکسر و تدین - شریعت زاده - صدرائی آقا میرزا سلیم خان ایزدی - روحی - وحیدالدوله - **مدیر الملک** - مستبد السلطنه - مشیر معظم احتشام الحکماء - مقوم الملک - ناصر - الاسلام - فتح الله میرزا - سلیمان میرزا - رهنما - عدل الملک - اعتبار الدوله - سر کشیک زاده - یمن الملک - احیاء السلطنه - آقا سید کاظم - مشیر الدوله - علائی - تقی زاده - افشار.

**اسامی مخالفین:** **آقایان** میرزا جواد - خان - محمد ولی میرزا - هابم - اقبال الملک - آقا شیخ جلال الدین - محمد هاشم میرزا - شیخ الرئیس - قوام الدوله - وکیل الملک - اخگر - حاج مشیر اعظم - الوئی - امیر - حشمت - کلزونی - آقا سید حسن اجائی - نصرت الدوله - ملک التجار - مشار اعظم - سید الله خان اسکندری - صدیق السلطنه - حاج میرزا عبدالوهاب - یاسائی - صدر - العلماء - مفتی - سردار منصور - صدیق الملک - امیر اشرف - صدر الاسلام - آقا شیخ عبدالرحمن حاج آقا اسمعیل - سهام السلطان - حاج میرزا علی رضا - قائم مقام - زحیم - آقا شیخ محمد علی طهرانی - غلام حسین میرزا - ضیاءالاطیاء - شیخ الاسلام - سید ابراهیم سردار مستبد - صولت السلطنه - آقا میرزا سید مصطفی - سردار نصرت - آقا میرزا سید احمد بهبهانی - آقا سید محی الدین - ملک الشعراء - مدرس - آشتیانی - آقا سید یعقوب - حائری زاده - امین الشریعه - ضیاء الملک - سلطان العلماء - سردار مفتح داد **رئیس** - اجازه میفرمائید نفس داده شود.

**بعضی از نمایندگان** - صحیح است (جلسه برای نفس تعطیل ویس

از نیم ساعت مجدداً تشکیل شد) **رئیس** - رای گرفته میشود بنده شتر اوقاف مبلغ پنجاه و دو هزار تومان با ورقه.

**وزیر مالیه** - اجازه میفرمائید بنده برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که نظامنامه مابین وزارت مالیه و وزارت معارف.

**بعضی از نمایندگان** - بلند تر بفرمائید.

**وزیر مالیه** - خاطر محترم آقایان مسبوق است ابتداء که نیم عشر اوقاف را دولت برقرار کرد در واقع دو نظر داشت یکی اینکه دولت بتواند وسیله پیدا کند که باظارت در امر اوقاف و مخارج موقوفات بکند و یکی هم اینکه متضمن یک مخارجی بود خواسته تجدیلی بوزارت معارف نشود و مخارجی که از این باب بدولت تعجب میشود از خود همین مرعاید شود.

حالا در یکی از جلسات گذشته بنده با اندازه کفایت تصور میکنم توضیح دادم.

فلسفه اینکه کار را این نگرانی هم که آقایان داشتند که بخارج معارف و اوقاف نمیرسد است عرض کردم جز و مامدات کلی دولت میبرد ولیکن در واقع بازم هم از راه غیر مستقیم بخارج معارف و اوقاف میرسد عجلاته چیزی را که میخواهم اطلاع آقایان برسانم این است که مابین نظامنامه بین وزارت مالیه و وزارت معارف ترتیب داده ایم که بحق و از روی یک نظریات اساسی نمیباشد تعجیلانی بآنها بشود آنها را از پرداخت نیم عشر معاف داشته ایم و آن مخصوصاً موقوفاتی است که بمصرف طلاب علوم میرسد و بمصارف بقاع متبرکه که این را خواستم عرض کنم که خاطر آقایان مسبوق باشد که نسبت بچند فقره اوقاف که بمصارف صحیحی میرسد تعجیلی بر آنها نمیشود و یقیناً منظور نظر آقایان حاصل میشود ولی از سایر موقوفات اخذ میشود.

**رئیس** - باین رای گرفته شود **مجلس** - آقا یک توضیحی میخواهم بدهم.

**رئیس** - آقا مذاکرات را گفتند کافی است.

**مدرس** - میخواستم یک توضیحی در مقابل آن توضیح عرض کنم **رئیس** - رای گرفته میشود بنده شتر اوقاف باورده آقایان اینکه تصویب میکنند ورتنه سفید و الاورقه کبود خواهند داد (س از اخذ واستخراج آراء نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید) **وزیر مالیه** - سفید علامت قبول ۳۱ ورقه

کبود ۳۶ اسامی موافقین: **آقایان** داور - شیر وانی - آقا سید یعقوب عظیمی - افشار - علائی - مشیر الدوله - روحی - آقا میرزا سلیم خان ایزدی - سردار منصور - تقی زاده - میرزا آقاخان - دیوان بیکی - ضیاءالواعظین - سردار فاخر - الوئی - ملک الشعراء - شریعت زاده - احیاءالسلطنه - وحیدالدوله - تدین - یاسائی - فتح الله میرزا - صدیق الملک - آقا میرزا شهاب الدین - سر کشیک زاده - رهنما - مقوم الملک - اعتبار الدوله - ناصر الاسلام - سلیمان میرزا

**اسامی مخالفین** - آقایان سردار مستبد ملک التجار - محمد هاشم میرزا - اقبال - الممالک - میرزا جواد خان - معظم السلطان آقا سید حسن اجائی - وکیل الملک - اخگر - حاج میرزا عبدالوهاب - رئیس التجار - صدر العلماء مفتی - مدیر الملک - زحیم - آقا شیخ جلال الدین - حاج مشیر اعظم - حاج آقا اسمعیل - کلزونی - سردار نصرت - آقا شیخ عبدالرحمن - امین الشریعه - آقا سید محی الدین - سالار لشکر - مدرس - آشتیانی - قوام الدوله - احتشام الحکماء - سهام السلطان - حاج میرزا علی رضا - دست غیب - غلام حسین میرزا - حائری زاده - ضیاءالاطیاء - آقا میرزا سید احمد بهبهانی آقا میرزا سید مصطفی بهبهانی **رئیس** - بلاتکلیف ماند.

**بعضی از نمایندگان** - اکثریت نسبی است **رئیس** - اکثریت نسبی راجع بانخابات است راجع بقانون نیست.

**رئیس** - اکثریت نسبی راجع بانخابات است راجع بقانون نیست.

بر میگردیم بماد دوم باید رای بگیریم بقدرت مخارج قسمت اول (دو بار و کابینه سلطنتی و والا حضرت اقدس) رای گرفته شده است.

**اعلیحضرت محمد علی میرزا** پنجاه چهار هزار تومان رای گرفته میشود.

**مستبد السلطنه** - بنده سابقاً اجازه خواسته بودم.

**بعضی از نمایندگان** - مذاکرات کافی شده.

**وزیر مالیه** - خاطر محترم آقایان مسبوق است که دولت برای اعلیحضرت محمد علی میرزا هفتاد و پنجاه هزار تومان کافی - السابق پیشنهاد کرده بود و حالاً هم هیئت دولت تقاضا میکند از آقایان که همان پیشنهاد دولت را کافی السابق ابقاء بفرمائید و رای بدهند.

**شیر وانی** - ممکن نیست **وزیر مالیه** - خوب البته ما میخواهیم مجبور کنیم کسی را ما مرایض خودمان را میکنیم آقایان میخواهند رای بدهند نمی خواهند ندهند.

کسی مجبور نیست اعلیحضرت محمد علی میرزا در سابق هر چه بوده است باشد

ولی حالا در خارجه و در غربت زندگانی میکند و جمع کثیری از ایرانیها را همراه دارند یک زندگانی خیلی آبرومند صحیحی آنجا دارند و این مخارج که به آنها داده میشود هیچوجه بمصرف نیهوده نمیرسد و فقط برای نگاهداری یک عده از ایرانی ها و در واقع اسباب آبرومندی دولت و ملت ایران است.

زیرا هر چه باشد پادشاه سابق ایران بوده و پدر پادشاه حالیه ایران هستند و آبروی ایشان آبروی ملت ایران است و شخاصه آن کسانی که شهنشاهانند و وضع زندگانی ایشان را در خارجه دیده اند میدانند که بسیار خوب زندگانی میکنند و در واقع این مبلغ هفتاد و پنجاه هزار تومان یک مصارف هدیری نمیرود باین ملاحظه است که هیئت دولت جداً تنا میکند از آقایان که این ملاحظه را داشته باشند و آن پیشنهاد را که دولت کرده است بآن رای بدهند **رئیس** - رای گرفته میشود به پنجاه چهار هزار تومان آقایان اینکه تصویب میکنند (اکثر برخواستند)

**رئیس** - تصویب شد - مجلس شورای ملی رای گرفته شده است - مقرری ریاست وزراء و کابینه وزراء چهار و پنجاه اروصد و هفتاد و دو تومان.

**آقایانی** که تصویب میکنند قیام (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت جنگ هم تصویب شده است.

وزارت مالیه هم سه میلیون و هفتاد هزار تومان آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان برخواستند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت عدلیه با تضمین امتیه و نظایر دو میلیون و صد هزار تومان آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان برخواستند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت ریست و تلگراف هم رای گرفته شده - وزارت عدلیه ششصد و بیست هزار تومان - آقایان موافقتین قیام فرمایند.

**رئیس** - تصویب شد - فواید عامه - (اغلب برخواستند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت امور خارجه.

هفتصد و پنجاه و دو هزار تومان کسانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت معارف و اوقاف و کلیه هشتصد هزار تومان.

رایرتی از طرف کبسیبسون رسیده است قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

سابق هم در جواب یکی از آقایان عرض کردم اول این هفتاد هزار تومان که کسر شد عده ما ش وصول شده.

ثانیاً بلکه از یک صرفه جوئی ما که از مخارج میشود شاید بتوانیم این هفتاد هزار تومان را آنجا نامین بکنیم ولی اگر کسر شود ممکن است اسباب اختلال امور و اسباب زحمت مردم بشود.

**رئیس** - بدو رای گرفته میشود سه میلیون آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد - رای بگیریم سه میلیون و هفتاد هزار تومان.

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده برخواستند)

**رئیس** - تصویب نشد **رئیس** - یک عده بعد بلند شدند **رئیس** - نمود بفرمائید دوباره رای میگیریم.

رای میگیریم سه میلیون و هفتاد هزار تومان.

اولی مشکوک شد این دفعه دوم است. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخواستند)

**رئیس** - تصویب شد - مخارج انتظامی هشتصد و هفتاد و پنجاه هزار تومان آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت داخله با تضمین امتیه و نظایر دو میلیون و صد هزار تومان آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان برخواستند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت عدلیه ششصد و بیست هزار تومان - آقایان موافقتین قیام فرمایند.

**رئیس** - تصویب شد - فواید عامه - (اغلب برخواستند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت امور خارجه.

هفتصد و پنجاه و دو هزار تومان کسانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - وزارت معارف و اوقاف و کلیه هشتصد هزار تومان.

رایرتی از طرف کبسیبسون رسیده است قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

کبسیبسون بودجه پیشنهاد آقای امیر اعلم را راجع به تفکیک بودجه صحیه مملکتی از وزارت معارف مورد مطالعه قرار داده و با پیشنهاد مزبور موافقت مینماید که فقره ۱۳ از قرار تفصیل تفکیک شود وزارت معارف و اوقاف ۶۳۰۶۳۰ تومان.

صحیه کل مملکتی ۱۳۶۰۳۷۰ تومان.

**رئیس** - دو فقره راپرت دیگر هم هست قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

کبسیبسون بودجه تبصره پیشنهادی آقای کلزونی و جمعی از نمایندگان معترم را مورد مطالعه قرار داده و چون تجزیه پنجاه هزار تومان از بودجه کل مملکتی مستازم انحلال یازده از مؤسسات موجوده خواهد بود لهذا کبسیبسون باین پیشنهاد نمیتواند موافقت نماید.

کبسیبسون بودجه پیشنهاد آقای افشار نماینده معترم را مورد مطالعه قرار داده و چون در بودجه تفصیلی وزارت معارف قسمت معارف مرکز و ولایات کالاتفکیک تجزیه است دیگر تفکیک در بودجه مملکتی را بیورد میدانند **رئیس** - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)

**ضیاءالواعظین** - بنده یک اصلاح عبارتی بود بعد عرض میکنم **رئیس** - با آقایان عرض میکنم که دیگر نمیشود صحبت کرد آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده** - چرا ممکن است چون این راپرت جدید است کسانی که مخالف هستند می توانند در اطرافش صحبت کنند **رئیس** - خیرا گر پیشنهاد دارید بدهید تا رای بگیریم آقای کلزونی (اجازه)

**کلزونی** - بنده هم می خواستم صحبت بدارم **رئیس** - آقای شیر وانی (اجازه)

**شیر وانی** - بنده هم میخواستم راجع باین راپرت صحبت کنم **رئیس** - ممکن است این آن پیشنهاد اولیه را بدهید اجرا نمیشود در اینصورت گمان میکنم نشود رای گرفت - (گفتند صحیح است تقاضا شده است که ماده چهاردهم تجزیه بشود چون پیشنهاد آقای داور قابل توجه شده است این ماده برمی گردد بکسیبسون برمی گردد بده اول

کبسیبسون بودجه پیشنهاد آقای امیر اعلم را راجع به تفکیک بودجه صحیه مملکتی از وزارت معارف مورد مطالعه قرار داده و با پیشنهاد مزبور موافقت مینماید که فقره ۱۳ از قرار تفصیل تفکیک شود وزارت معارف و اوقاف ۶۳۰۶۳۰ تومان.

صحیه کل مملکتی ۱۳۶۰۳۷۰ تومان.

**رئیس** - دو فقره راپرت دیگر هم هست قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

کبسیبسون بودجه تبصره پیشنهادی آقای کلزونی و جمعی از نمایندگان معترم را مورد مطالعه قرار داده و چون تجزیه پنجاه هزار تومان از بودجه کل مملکتی مستازم انحلال یازده از مؤسسات موجوده خواهد بود لهذا کبسیبسون باین پیشنهاد نمیتواند موافقت نماید.

کبسیبسون بودجه پیشنهاد آقای افشار نماینده معترم را مورد مطالعه قرار داده و چون در بودجه تفصیلی وزارت معارف قسمت معارف مرکز و ولایات کالاتفکیک تجزیه است دیگر تفکیک در بودجه مملکتی را بیورد میدانند **رئیس** - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)

**ضیاءالواعظین** - بنده یک اصلاح عبارتی بود بعد عرض میکنم **رئیس** - با آقایان عرض میکنم که دیگر نمیشود صحبت کرد آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده** - چرا ممکن است چون این راپرت جدید است کسانی که مخالف هستند می توانند در اطرافش صحبت کنند **رئیس** - خیرا گر پیشنهاد دارید بدهید تا رای بگیریم آقای کلزونی (اجازه)

**کلزونی** - بنده هم می خواستم صحبت بدارم **رئیس** - آقای شیر وانی (اجازه)

**شیر وانی** - بنده هم میخواستم راجع باین راپرت صحبت کنم **رئیس** - ممکن است این آن پیشنهاد اولیه را بدهید اجرا نمیشود در اینصورت گمان میکنم نشود رای گرفت - (گفتند صحیح است تقاضا شده است که ماده چهاردهم تجزیه بشود چون پیشنهاد آقای داور قابل توجه شده است این ماده برمی گردد بکسیبسون برمی گردد بده اول

بنده پیشنهاد میکنم که از بودجه صحتیه ۵۲۰۰۰ پنجاه و دو هزار تومان اختصاص بولایات داد شود

**رئیس** - بدو رأی میگیریم بقسمت معارف ۰۰۰

**اخگر** - بنده پیشنهادی دارم

**رئیس** - راجع به معارف پیشنهاد دارید.

**اخگر** - خیر

**رئیس** - قسمت معارف را کمیسیون تفکیک کرده است

**فقیل وزارت معارف** - قسمت راجع به معارف را کمیسیون رأی داده است ولی راجع بقسمت صحتیه گویا کمیسیون موافقت نکرده است

**رئیس** - عرض کردم معارف را از صحتیه تفکیک کرده اند

**وزیر معارف** - بلی دولت هم با آن موافقت کرده است

**رئیس** - رأی میگیریم بقسمت معارف بمبلغ شصت و شصت و سه هزار و شصت و سی تومان

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد

پیشنهاد آقایان شیخ الرئیس و امیر حشمت قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم پنجاه هزار تومان که برای ولایات پیشنهاد شده بود از بودجه کل صحتیه مملکتی کسر شده و به بقیه رأی گرفته شود

**رئیس** - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

**محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - بنده برای اینکه بتوانم حقوق را معفوظ بدارم پیشنهاد تجزیه کردم تا در آن قسمتی که بر ضرر ولایات و برخلاف پیشنهادی است که جمعی از نمایندگان امضاء کرده اند و یکی از آنها هم خود بنده بود برای ندم و در قسمت دیگر رأی بدیم و الا نمیشود که تمام بودجه صحتیه را منحصر بپاهران نمود و تمام ولایات را معروض کرد

**مخبر** - مطابق ترتیبی که مین شده است معادل چهل و شش هزار تومان از بودجه صحتیه کل مملکتی بولایات تخصیص داده میشود ۰۰۰

**حاجزاده** - شهریار چطور

**مخبر** - شهریار هم خارج از طهران است

چهار هزار تومان راجع به شهریار و سی و دو هزار تومان راجع به قریظین و ده هزار تومان اعتبار برای کل ولایات است و اگر علاوه بر اینها منظورتان هست یعنی مقصودتان این است که پنجاه هزار تومان دیگر هم کسر شود آنوقت تصدیق میفرمایند

کتمام موسسات صحتیه امروزه باید منحل شود

**وزیر مالیه** - بنده خیلی متأسف هستم از اینکه می بینم آقایان میفرمایند چون در بعضی ولایات صحتیه نیست در طهران و جاهای دیگر هم نباشد

من نمیدانم این چه پیشنهادی است باید طرز عمل را نگاه کرد بشما امروز هر قدر از یک قران تا پنجاه هزار تومان هم از بودجه صحتیه را اختصاص بولایات بدهید موضوع عملی نمیشود و علاوه این مصارف باید تدریجاً اضافه شود چنانچه سابقاً هم بودجه وزارت معارف پنجاه هزار تومان بود و حالا شصت و دو هزار تومان شده است

**رئیس** - آقای شیخ الرئیس این پیشنهادی که کرده اند گمان نمیکنم برای آن مقصودتان مکفی باشد

**شیخ الرئیس** - بنده برای این پیشنهاد را کردم که رأی آزاد باشد زیرا معتقد نیستم تمام بودجه صحتیه بطهران اختصاص داشته باشد و غیر از این پیشنهاد هم چاره دیگر نداشتم

**رئیس** - این پیشنهادی که کردید پنجاه هزار تومان کسر شود اینک برخلاف مقصودتان بود

**محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - مقصود آزادی خودم بود

**رئیس** - رأی میگیریم بهشتاد و شش هزار و سیصد و هفتاد تومان برای صحتیه کل مملکتی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد آقای اخگر پیشنهاد کرده اند که هشتاد و سه هزار تومان یک جا رأی گرفته شود و پنجاه هزار تومان هم یک جا و گویا اشتباه فرموده اند

**اخگر** - بلی اشتباه شده است باید هشتاد و شش هزار تومان باشد

**رئیس** - توضیح بدهید

**اخگر** - صد و سی صحتیه کل مملکتی منظور شده بنده پیشنهاد کردم که هشتاد و شش هزار تومان آن بر سر کس تخصیص داده شود و پنجاه هزار تومان هم بولایات و بنده نمیدانم چطور مردمان مقیم مرکز معارف هستند که صحت و سلامت باشند و مردم ولایات این احتیاج را ندارند

**رئیس** - حالا میشود پیشنهاد اصلاح کرد ؟

**بعضی از نمایندگان** - خیر

**وکیل الملک** - اجازه میفرمایند؟

**رئیس** - بفرمایند

**وکیل الملک** - اساساً پیشنهادی که شاهزاده تقدیم کرد و رفت بکمیسیون پیشنهاد تجزیه بود و کمیسیون آنرا مورد توجه قرار نداد حالا ممکن است دوباره بهمان پیشنهاد اول رأی گرفته شود که

مین پیشنهاد دولت ویا کمیسیون را بگویند تجزیه کنند بلی حالا هیچ چیزی در رأی است کمیسیون نیست که تجزیه شود

**وکیل الملک** - فرضاً قابل تجزیه هم نباشد بهمان پیشنهاد اول رأی بدهند که قطعی شود

**رئیس** - اینها بمنزله اصلاح است و بقیه بنده می بایستی قبل از اینکه بفقرات رأی بگیرند تکلیف این اصلاحات معلوم شود

آقای امیر حشمت (اجازه)

**امیر حشمت** - بنده پیشنهاد میکنم که دولت معین کند از این بودجه صحتیه چه قدرش متعلق بر کس است و چه قدرش متعلق بولایات ۰۰۰

**رئیس** - پیشنهادتان کجاست؟

**امیر حشمت** - الان میدهم بیاورند

**رئیس** - پیشنهادها قرائت میشود همه اینها بمنزله اصلاح است (شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بصحتیه مرکز باستانی ولایات هشتاد و سه هزار تومان اختصاص داده شود

**اخگر** - **رئیس** - پیشنهاد آقای سردار فاخر

**سردار فاخر** - حالا دیگر مورد ندارد برای اینکه رأی گرفته شده است

(پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین باین طریق خوانده شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی اصلاح عبارتی ذیل را بر رأی بورت کمیسیون بودجه راجع بوزارت معارف پیشنهاد می کنم که به انداز وزارت معارف و اوقاف علاوه شود و صنایع مستظرفه

**رئیس** - سابق پیشنهاد شده بود

**مخبر** - بنده هم قبول کرده بودم

**رئیس** - پیشنهاد آقای سلطان الملک بنده پیشنهاد میکنم که پنجاه هزار تومان از بودجه صحتیه اختصاص بولایات داده شده و اجزای آن از اول دلو مقرر گردد

**رئیس** - پیشنهاد آقای امیر حشمت (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از این مبلغی که دولت برای صحتیه مملکتی معین کرده است چه مبلغ آنرا بولایات اختصاص داده است تجزیه نماید تا آزروری بصیرت برای داده شود

**وزیر مالیه** - بنده چون می بینم از همان آقایان یک قدری مشوب و مستثت است مجبورم باز مختصری عرض کنم عرض بنده این است که آقایان اولاً توجه بفرمایند باینکه سال تمام شده و هیچ اقدام جدیدی دولت برای امسال نمیتواند بکند صحتیه يك امر موجودی نیست که

وقتی فرمودید پنجاه هزار تومان برای ولایات خرج کنند فوراً خرج صحتیه ولایات بکنند و نتیجه بگیرند و باید طیب حاضر کرد و حاضر کرد مرخصخانه تأسیس کرد

اینها که در ظرف یکی دو روز نمیشود حالا هم که دو ماه بیشتر باخر سال باقی نمانده است و قول میدهم که رأی ندادن اثری در عمل نخواهد کرد

اما در باب طهران و ولایات البته آقایان باید در نظر داشته باشند طهران که مرکز است مخارج بیشتر برای اینجا میشود برای اینست که طهران برای ولایات هم کار میکند

آقایان مسبق هستند که طبابت علم و عمل هر دو را میخواهند

طیب در مدرسه طب درس میخواند و میرود مرخصخانه عمل میکند و اینرا هم تصدیق میفرمایند که امروز ما قادر نیستیم که در ولایات مدرسه طب تشکیل بدهیم و باید طیب در طهران در مدرسه طب درس بخواند و برود مرخصخانه عمل کند و الان مرخصخانه وزیری در واقع جزء مدرسه طب است

همینطور در بعضی جاهای دیگر همین مرخصخانه و مدرسه طب برای ولایات شما طبیب تهیه میکنند

حالا اگر رأی ندهید و سکتا بودجه صحتیه وارد آید سکتا بسوسسات صحتیه وارد می آید

ملا مخارجی که در اینجا برای انستیتو باستور میشد ما در ولایات انستیتو باستور نداریم

و امسال هم که نمیتوانیم در ولایات انستیتو باستور احداث کنیم

این انستیتو باستور ماه آبله که درست می کند بولایات هم میرود

سرمهائی که درست میکنند بولایات هم میرود و در واقع هیچ نیست این خرجی که در طهران میشود تماش بصرف اهل طهران برسد

خیر بسیاری از همین مخارجی که در طهران میشود بصرف ولایات هم میرسد پس اینرا در نظر داشته باشید که اگر بسوسسات اینجا صحتیه زدی بطور غیر مستقیم صدها اش بولایات هم میخورد و بنده هم تصدیق دارم که در ولایات هم باید مرخصخانه تأسیس بشود

ولی تصدیق میفرمایند که با این بودجه کم ولایات دارای مرخصخانه میشود فقط کاری که امروزه میشود برای ولایات کرد همین سرم فرستادن و مایه آبله فرستادن است که فرستاده میشود و علاوه عرض می کنم هر قدر هم تغییر و تبدیلی بدهید برای امسال نتیجه نخواهد داشت و با اكمال زحمت يك بودجه برای صحتیه درست شده و آقای امیر اعلم اینجا تشریف دارند و شاهنده و

نیتوانم خلاف حقیقت بگویم و بعد از آنکه شما بودجه صحتیه را تغییر دادید مجبور میشوید بروند بودجه شان را تغییر بدهند

آنوقت باید تمام اوقاتشان را صرف این بکنند که این بودجه را چه بکنند و امسال هم می گذرد و نتیجه هم ندارد

**رئیس** - پیشنهاد آقای حائریزاده قرائت میشود

حائریزاده پیشنهاد میبضند مبلغ ۶۸۱۸۵ تومان بابت صحتیه طهران منظور شود ۶۸۱۸۵ تومان در تمام ولایات مصرف شود

**رئیس** - پیشنهاد آقای سردار عشاری قرائت میشود

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که صحتیه مرکز را در بودجه مخصوص بگذراند و راجع بولایات صحتیه نباشد بودجه صحتیه منحصراً بر سر باشد

**رئیس** - گمان میکنم باین پیشنهادها نشود رأی گرفت

رأی میگیریم بودجه صحتیه بمبلغ صد و سی و شش هزار و سیصد و هفتاد تومان آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - اعتبار جهت حقوق منتظرین خدمت صد و سی و پنج هزار تومان

مخبر - یا رأی بورت دیگری هم به تقدیم شده و در آنجا اعتبار حقوق منتظرین خدمت را صد و نود هزار تومان معین کرده است

**رئیس** - چهار فقره پیشنهاد رسیده است یکی از آنها را گویا نشود رأی گرفت سه فقره دیگر هم جایش اینجا نیست - قرائت میشود

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که بر جمله حقوق منتظرین خدمت این جمله (که باید با قساق ماهیانه تأدییه شود) اضافه گردد اقبال اسمالک

نظر باینکه وزارت مالیه در پرداخت حقوق وزارتخانه ها و ادارات تعیضاتی برای خود قائل شده است و منتظرین خدمت هم از حقوق شش ماهه اول سال محروم بوده اند و برای اینکه رعایتی از منتظرین خدمت شده باشد و در آخر سال هم يك عده طلبکار قانونی برای دولت تهیه نشود این بنده پیشنهاد می نماید که در فصل دوم مخصوصاً قید شود که حقوق قانونی منتظرین خدمت باید مثل حقوق مستخدمین مشغول بخدمت مرتباً در هر برج پرداخته شود

حسن ملک التجار

بنده پیشنهاد میکنم - که قید شود از اول هدهالسنه باید داده شود

عبدالله ممتد السلطنه

**رئیس** - این سه فقره پیشنهاد که قرائت شد جایش اینجا نیست - ممکن است قابل توجه شده بعد يك ماده علیحده شود

پیشنهاد آقای یاسانی قرائت می شود

(شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مبلغ بیست و یک هزار تومان از اعتبار مخصوص منتظرین خدمت کسرو با موافقت دولت ضمیمه بودجه وزارت هدایه شود

یاسانی - بطوریکه آقای رئیس فرمودند فقط بقسمت اول پیشنهاد بنده که بیست و یک هزار تومان از حقوق منتظرین خدمت کسر شود میشود رأی گرفت

آقایان متوجه هستند که در يك قسمتی از ایالات ولایات عدلیه ها را حذف کرده اند انحلال عدلیه ها سبب شده است که صد و چهل و هشت نفر در این سه ماه بیکار شوند یعنی منتظر خدمت باشند و منتظرین خدمت هم حق دارند دولت حقوقشان را بگیرند یعنی سه شان مستخدمین درجه اول و دوم سوم و چهارم هم نیستند و تا درجه سوم هستند و دولت ناگزیر است که چهارده هزار تومان حقوق منتظرین خدمت بدهد تفاوت معامله هم هفت و هشت هزار تومان است البته بازم برای منتظرین خدمت شریک پیدا میشود یعنی حقوق این صد و چهل و هشت نفر هم از این محل باید داده شود - بنابراین اگر دولت موافقت کند که این مبلغ بیست و یک هزار تومان از حقوق منتظرین خدمت کسر شود و ضمیمه بودجه عدلیه بشود بهتر خواهد بود ادارات عدلیه هم منحل نمیشود تفاوتش هم هفت هزار تومان بیشتر نیست

**رئیس** - چهار فقره پیشنهاد رسیده است یکی از آنها را گویا نشود رأی گرفت سه فقره دیگر هم جایش اینجا نیست - قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم جمله ذیل در ماده ۱۴ علاوه شود

منتظرین خدمت مرکز و ولایات مخبره همینطور هم هست نظر دولت و کمیسیون هم همین است مع ذلک بنده قبول می کنم که اضافه شود

**رئیس** - اگر قبول نمیکردید نمی شد رأی گرفت

رأی گرفته میشود بعقوبت منتظرین خدمت مرکز و ولایات بموجب پیشنهاد آقای یاسانی بمبلغ صد و شصت و نه هزار تومان آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد

رأی میگیریم بمبلغ صد و نود هزار تومان آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

عبدالله ممتد السلطنه

**رئیس** - تصویب شد

دفع مرض گاو میری سی هزار تومان آقایان موافقین قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

استهلاک دیون دولتی شصت و سی و سه هزار و در دست و هشتاد و یک تومان آقایان موافقین قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

مخارج غیر مترقبه دولت دو صد و پنجاه و دو هزار تومان آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد

وظایف و شهریه ها و مصارف و مخارج تحصیل هشتصد هزار تومان بعضی از نمایندگان - رأی گرفته شده است

**رئیس** - بنده اینجا نبودم نمیدانم رأی گرفته شده است یا نه؟ میگویند رأی گرفته شده است

مخبر - بلی رأی گرفته شده است معنای بماده دوازدهم که طرز دادن شهریه ها و مستمریات است ولی باین هشتصد هزار تومان رأی گرفته نشده

ماده دوازدهم طرز پرداخت این مبلغ است و بنا بقضای بعضی از آقایان در آن ماده با ورقه اخذ رأی شد

یک نفر از نمایندگان - مابقی کسر شد

مخبر - این مبلغ اعتبار است یعنی ممکن است تا آخر سال از این مبلغ شصت و سیصد هزار تومان برداشته شده و ما بقی در صندوق دولت بماند

**رئیس** - رأی گرفته میشود بهشتصد هزار تومان آقایان موافقین قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

اعتبار جهت هیئت اعزامیه آمریکائی بموجب کتبرات آنها - صد هزار تومان تصویب کنندگان قیام نمایند

(اغلب برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد - رأی گرفته میشود بجمع ماده دوم - بمخارج انتقاهی و اعتبار حقوق منتظرین خدمت يك مبلغی اضافه شده است

رأی میگیریم به بیست و سه میلیون و هشتصد و چهارده هزار و در دست و هشتاد و هفت تومان آقایان موافقین قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد اگر اجازه می فرمایند مذاکرات در این باب ختم شود و راجع به مرخصیه ها که يك دوسه خیلی مفصلی است چند فقره اش قرائت شود

**بعضی از نمایندگان** - صحیح است

(بشرح ذیل قرائت شد)

۱ - آقای قائم مقام تبریزی نماینده محترم از تبریز تلگرافاً از مجلس مقدس تقاضا کرده اند که چون بواسطه نزول برف و بارش اسباب تأخیر در اتم فراموش شده پنج روز بر مدت اجازه ام افزوده شود کمیسیون نظریاتش را موجه تقاضای ایشان را تصویب مینماید

**رئیس** - رأی گرفته میشود آقایانی که مفاد رأی بورت را تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

۲ - آقای قائم مقام الملک نماینده محترم تقاضا کرده اند که از تاریخ عرق اجازه مرخصی بیست و دو روز به ایشان داده شود چون مشاغل قبل از اجازه (موافق تحقیقات) مسافرت کرده اند علاوه کمیسیون هیچ دلیلی نیابت که بآن استناد تصویب کند لذا تقاضای این تقاضا را رأی بورت

**رئیس** - رأی گرفته میشود بمفاد رأی بورت کمیسیون که حاکی بر رد است

آقایانی که مفاد رأی بورت را تصویب میکنند قیام فرمایند

**رئیس** - تصویب شد

۳ - آقای مستوفی المالک نماینده محترم دامت شوکت نظر بمحظوظاتیکه از حضور در جلسات داشته و مدللتر قوم داشته اند تقاضا کرده اند که ایشان را از تاریخ هجدهم جمادی الاولی (۲۴ قوس) تا پانزدهم حمل غائب با اجازه منظور دارند کمیسیون چون عجلتاً مقضی ندانست که بیش از دو ماه اجازه بدهد لذا تصویب مینماید که از تاریخ بیست و سوم قوس تا بیست و سوم قوس با اجازه باشد

**رئیس** - آقای رئیس التجار (اجازه)

**رئیس التجار** - البته آقای مستوفی المالک برای مرخصی چهار ماهه يك دلالتی داشته اند حالا بنده نمیدانم چرا کمیسیون دوماه اجازه داده اند

بهمان دلیلی که دوماه را اجازه داده اند ممکن بود چهار ماه اجازه بدهند و بنده عقیده دارم که مطابق قضای خودشان بهمان چهار ماه رأی گرفته شود

**صدر رس** - فقط موضوعش شب بود کرفه شد

**ملک التجار** - دلالت دیگر هم داشتند

**رئیس** - اینجا اسم شب نیست

**کازرونی** - اجازه بفرمایند

**رئیس** - تصویب شد اگر اجازه می فرمایند مذاکرات در این باب ختم شود و راجع به مرخصیه ها که يك دوسه خیلی مفصلی است چند فقره اش قرائت شود

**بعضی از نمایندگان** - صحیح است

(بشرح ذیل قرائت شد)

۱ - آقای قائم مقام تبریزی نماینده محترم از تبریز تلگرافاً از مجلس مقدس تقاضا کرده اند که چون بواسطه نزول برف و بارش اسباب تأخیر در اتم فراموش شده پنج روز بر مدت اجازه ام افزوده شود کمیسیون نظریاتش را موجه تقاضای ایشان را تصویب مینماید

**رئیس** - رأی گرفته میشود آقایانی که مفاد رأی بورت را تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

۲ - آقای قائم مقام الملک نماینده محترم تقاضا کرده اند که از تاریخ عرق اجازه مرخصی بیست و دو روز به ایشان داده شود چون مشاغل قبل از اجازه (موافق تحقیقات) مسافرت کرده اند علاوه کمیسیون هیچ دلیلی نیابت که بآن استناد تصویب کند لذا تقاضای این تقاضا را رأی بورت

**رئیس** - رأی گرفته میشود بمفاد رأی بورت کمیسیون که حاکی بر رد است

آقایانی که مفاد رأی بورت را تصویب میکنند قیام فرمایند

**رئیس** - تصویب شد

۳ - آقای مستوفی المالک نماینده محترم دامت شوکت نظر بمحظوظاتیکه از حضور در جلسات داشته و مدللتر قوم داشته اند تقاضا کرده اند که ایشان را از تاریخ هجدهم جمادی الاولی (۲۴ قوس) تا پانزدهم حمل غائب با اجازه منظور دارند کمیسیون چون عجلتاً مقضی ندانست که بیش از دو ماه اجازه بدهد لذا تصویب مینماید که از تاریخ بیست و سوم قوس تا بیست و سوم قوس با اجازه باشد

**رئیس** - آقای رئیس التجار (اجازه)

**رئیس التجار** - البته آقای مستوفی المالک برای مرخصی چهار ماهه يك دلالتی داشته اند حالا بنده نمیدانم چرا کمیسیون دوماه اجازه داده اند

بهمان دلیلی که دوماه را اجازه داده اند ممکن بود چهار ماه اجازه بدهند و بنده عقیده دارم که مطابق قضای خودشان بهمان چهار ماه رأی گرفته شود

**صدر رس** - فقط موضوعش شب بود کرفه شد

**ملک التجار** - دلالت دیگر هم داشتند

**رئیس** - اینجا اسم شب نیست

**کازرونی** - اجازه بفرمایند

**رئیس - بفرمائید**  
**کازرونی -** آقایان هموآزمایان ملکات فاضله و حسن اخلاق آقای مستوفی السالک مطلقند و کمیسیون هم با مرخصی ایشان مخالف نبود و اگر ایشان بفرمایند چرا ما دوام تصویب کردیم و ایشان سه ماه یا چهار ماه اجازه خواسته اند فرق نمیکند همانقدر دوام را تصویب کردیم البته اگر معظراتشان رفع نشد و باز اجازه خواستند مجدداً تقاضای کنند آقایان رأی بدهند

**رئیس -** بالفعل رأی میگیریم بنویسند ماه آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد. خورد بگر (این طور قرائت شد)

۴- آقای رهنما بنامیده محترم بواسطه اسالت مزاج تقاضای اجازه بیکهفته قیامت از تاریخ اول برج جاری کرده اند کمیسیون تصویب می نمایند

**رهنما -** بنده پس گرفتیم

۵- آقای اعتبار الدوله نماینده محترم بجهت معالجه کسالتی که دارند از روزیک شنبه ۲۷ میزان الی مدت ده روز اجازه غیبت خواسته اند کمیسیون هم موافق ایشان را پذیرفته تصویب کرد که غائب با اجازه نوشته شود

**رئیس -** رأی بگیریم مقدم بر بودجه مملکتی باشد ؟

**ضیاءالواعظین -** خیر در درجه دوم لایحه راجع به کثرت اشترونک

**رئیس -** آنکه جزو دستور شد دستور جلسه آتی : اول بودجه مملکتی - ثانیاً راپورت کمیسیون بودجه راجع به حق التدریس نظام و مدیران مدارس ثالثاً لایحه راجع به مدرسه صنعتی ایران و آلمان

**بعضی از نمایندگان -** قوش بیگی

۶- آقای آفاشخ محمدعلی طهرانی نماینده محترم بعضی معالجه مزاج و یاره گرفتاریهای خانوادگی تقاضای پانزده روز مرخصی از تاریخ بیست و نهم میزان کرده اند کمیسیون عنقر ایشان را پذیرفته تصویب کرد که غائب با اجازه نوشته شود

**طهرانی -** بنده پس گرفتیم

۷- آقای قوام الدوله بواسطه کسالت مزاجی که دارند بر طبق تجویز اطباء محتاج بغیبت یک ماهه و معالجه هستند و از مجلس مقدس تقاضای آن را نموده اند کمیسیون با اتفاق تصویب نمود که از تاریخ ششم برج جاری الی مدت یک ماه با استفاده از حقوق غائب توانند بود

**رئیس -** آقایانی که مفاد این راپورت را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد جلسه آتی به فردا

**ضیاءالواعظین -** بنده راجع بدستور مرضی دارم

**رئیس -** دستور اول بودجه مملکتی

ثانیاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بحق التدریس نظام و مدیران مدارس ثالثاً کمیسیون خارجه و بودجه و معارف راجع به مدرسه صنعتی ایران و آلمان

**وزیر مالیه -** بنده تقاضا میکنم راپورت کمیسیون بودجه راجع باقی قوش بیگی یعنی برقراری شهریه در باره آقای قوش بیگی بخارانی جزو دستور بشود

**بعضی از نمایندگان -** صحیح است

**رئیس -** این راهم جزو دستور می کنیم. آقای ضیاءالواعظین ( اجازه )

**ضیاءالواعظین -** بنده تقاضای کنم لایحه کثرت دکترا اشترونک جزو دستور شود

**ضیاءالواعظین -** بسیار خوب در درجه سوم تقاضا میکنم لایحه راجع بدفع آفات حیوانی و سرم سازی در درجه چهارم هم پیشنهاد می کنم لایحه عصاره گیری که سابقاً هم جزو دستور بود جزو دستور گذاشته شود

**رئیس -** رأی بگیریم مقدم بر بودجه مملکتی باشد ؟

**ضیاءالواعظین -** خیر در درجه دوم لایحه راجع به کثرت اشترونک

**رئیس -** آنکه جزو دستور شد دستور جلسه آتی : اول بودجه مملکتی - ثانیاً راپورت کمیسیون بودجه راجع به حق التدریس نظام و مدیران مدارس ثالثاً لایحه راجع به مدرسه صنعتی ایران و آلمان

**بعضی از نمایندگان -** قوش بیگی

۶- آقای آفاشخ محمدعلی طهرانی نماینده محترم بعضی معالجه مزاج و یاره گرفتاریهای خانوادگی تقاضای پانزده روز مرخصی از تاریخ بیست و نهم میزان کرده اند کمیسیون عنقر ایشان را پذیرفته تصویب کرد که غائب با اجازه نوشته شود

**طهرانی -** بنده پس گرفتیم

۷- آقای قوام الدوله بواسطه کسالت مزاجی که دارند بر طبق تجویز اطباء محتاج بغیبت یک ماهه و معالجه هستند و از مجلس مقدس تقاضای آن را نموده اند کمیسیون با اتفاق تصویب نمود که از تاریخ ششم برج جاری الی مدت یک ماه با استفاده از حقوق غائب توانند بود

**رئیس -** آقایانی که مفاد این راپورت را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد جلسه آتی به فردا

**ضیاءالواعظین -** بنده راجع بدستور مرضی دارم

**رئیس -** دستور اول بودجه مملکتی

مقوم الملك - سر کشیک زاده - عدل الملك - سلیمان میرزا و کبیر الملك - سردار قاهر - تقی زاده - رهنما - اعتبار الدوله - کازرونی - الوئی - حاج آقا اسمعیل - محمد هاشم - میرزا - دولت آبادی - سردار عشایر - شیخ جلال الدین - اجاق - مشیر اعظم - معده ولی میرزا - سید کاظم ایزدی - شیخ - هادی شیخ رئیس - میرزا حسن خان ملائی - افشار - معظم السلطان - میرزا جواد خان - خونی - ورقه کیورد - ملکه الشعراء

**رئیس -** بودجه مملکتی مطرح است یاره مواد الحاقیه رسیده است که باید تکلیفشان معین شود پیشنهاد آقای یاسانی قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته بنده ماده ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - وزارت مالیه مکلف است که صورت جزء عایدات مستقیم و غیر مستقیم را که در تحت عنوان و اسم خاص مطالبه میشود اخذ آن از طرف مجلس شورای ملی بموجب قانون مخصوص تصویب نشده باز که نوع هر یک و تعیین معروضات آن و تاریخ شروع باخذ هر قسم از آنها قبل از لایحه بودجه ۱۳۰۳ بمجلس شورای ملی تقدیم دارد که پس از تعیین تکلیف این نوع عایدات بودجه سنه مزبور بر امر تب و تسلیم مجلس شورای ملی نماید

**رئیس -** پیشنهاد آقای تدین هم در همین زمینه است قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته نظر باینکه باسامی مختلفه مالیات و عوارض از مردم گرفته میشود که ممکن است بعضی از آنها مدرک و ماخذ قانونی نداشته باشد نظر باینکه بدون تصویب مجلس شورای ملی به هیچ وجه و به هیچ عنوانی نمی شود از مردم مالیات گرفت لهذا پیشنهاد میکنم که بصره ذیل ضمیمه ماده اول شود

بصرف وزارت مالیه مکلف است که در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این ماده صورت انواع و اقسام مالیاتها و عوارض مملکتی که تا کنون معمول شده به رسم و رسم اعم از اینکه عمومی باشد یا معلی تقدیم مجلس شورای ملی نماید

**رئیس -** آقای یاسانی ( اجازه )

**یاسانی -** از مذاکرات مخالف و موافق که راجع بماده اول بودجه مملکتی شد گمان میکنم تمام آقایان نمایندگان محترم متوجه شده باشند به اینکه یک قسمت از عوائدی که معمولاً وصول می شود صورت قانونی ندارد و یک قسمت هم ظالمانه است

یکتلم از عایدات ما عایداتی است که امش را گذاشته اند عایدات مستقیم و این عایدات مستقیم آنهایی است که جزء مخصوصی دارد

یکی از اقلامی که به اسم مالیاتهای مستقیم در این مملکت گرفته می شود و خیلی هم ظالمانه است مالیات سرشماری مالیات سرشماری را بنده بطور خلاصه توضیح می دهم چون در بعضی جاها میگیرند و در بعضی جاها نمیگیرند اساساً وقتی در این مالیات فکر کنیم می بینیم این مالیات بر فراست

زیرا در ولایات معمولاً از انحصار درجه سه و چهار این مالیات را میگیرند که دارائی ندارند از قبیل همله - قلمه - زارع کارگر - کلبه های کوچک و غیره و اشخاصی که تا اندازه برجستگی دارند از قبیل تجار روحانیون - اعیان و اشراف که در مرکز ولایات هستند از این مالیات معافند و مخصوصاً چندی قبل یک کاغذی به بنده رسید که آن کاغذ از طرف یک کسی که در درجه سوم چهارم بوده و اخیراً سرمایه پیدا کرده است و تجارت میکند و تا اندازه اعتبار پیدا کرده است نظر به اینکه در سابق مالیات سرشماری از او و نقرات فامیلیش شکایت کرده است که آیا سزاوار است باوضع کنونی من هم مالیات سرشماری بدهم و مقصودش این است در صورتی که من اعتبار پیدا کرده ام و تاجر شده ام دیگر چرا باید مالیات سرشماری بدهم و نوشته است من را ضمیمه صد تومان بدهم که بن نگویند مالیات سرشماری بده این شکایت را برای چه میکنند؟

برای این است که به او نگویند تراز فقر است

این مالیات سرشماری از این اشخاص گرفته می شود و علاوه در بعضی جاها که خدا هائی هستند که هر کدام دو هزار تومان سه هزار تومان جزو جمعی دارند و اختیار جمع آوری این مالیات هم بعهده آنها است یکی از اقلام عایدات مستقیم ما این است در عایدات غیر مستقیم هم یک نظر باین است که البته هر وقت دولت صورتش را آورد در آن مرقع گفته خواهد شد یک قسمت هم مالیات خانواری بود که در قدیم بنام سر باز گیری گرفته میشد ولی چون باین نام یک رجوعی باسامی مختلف گرفته میشد این بود که ما هم موافقت نکردیم گرفته شود

حالا هم بهترین طریق برای اینکه ما مطمئن باشیم که بودجه سنه آتی وقتی تصویب می شود تمام فقرات عایدات به تصویب مجلس خواهد رسید

این است که در بودجه سنه گذشته این پیش بینی را بکنیم که قبل از اینکه بودجه سنه مزبور تصویب چهار مجلس بیاید دولت مکلف باشد صورت جزء عایدات مستقیم

غیر مستقیم را بمجلس بیارند که بکمیسیون قوانین مالیه رفته و نظریاتی درش بشود و از طرف کمیسیون راپورت بدهند آنچه را مجلس تصویب کرد بگیرند و آنچه را نکردن بگیرند تا این مالیاتهای ظالمانه از بین برداشته شود و این نظر بنده این پیشنهاد را کردم

ولی چون پیشنهاد آقای تدین بنظر من جامع تر آمد با آن قیدی که در آن شده است که تا یکماه دولت باید این کار را فقط حوثشان با هم فرق دارد و هر وقت وزارت مالیه بهر وزارتخانه حقوق میدهد حقوق منتظرین خدمت آنجا را هم میدهد

**رئیس -** آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه نشد

مرامجه میشود بکمیسیون و میدانند برای روز سه شنبه پیشنهاد آقای اقبال الامالک (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بر جمله حقوق منتظرین خدمت این جمله (که باید باقسط ماهانه داده شو) اضافه گردد

**رئیس -** پیشنهاد آقای عظیمی و شریعت زاده قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد می کنم در تمام مواد قانون بودجه بجای (مجازات) جمله مکلف است نوشته شود

شریعت زاده - شاید بعضی مقامات باشند که کلمه (مجازات) را الزامی در اجرای قوانین مصوبه میدانند

از این جهت بنده پیشنهاد کردم که کلمه مکلف است نوشته شود

**وزیر مالیه -** عرض می کنم برای آقایانی که این نظر را دارند اشتباهی دست داده است که تصور میکنند مکلف است یا مجاز است در این موضوع تفاوتی دارد در صورتیکه هیچ تفاوتی ندارد در فرضاً رای هم بدهند باز تفاوتی ندارد زیرا اگر مقصود این است که وزارت مالیه مخارجی را که قانونی است و پرداخت آن مانع قانونی ندارد آن مخارج را بپردازد البته همین طور هم هست و از پرداخت آن امتناع نخواهد کرد

ولی اگر مقصود این باشد که وزارت مالیه مکلف است یعنی ای نوع کان مخارجی را که مجلس شورای ملی تصویب میکند حتماً آن مخارج را بپردازد این غلط است

زیرا مخارجی که از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود یک اعتبار است ممکن است آن خرج بشود و ممکن هم است نشود و نمیشود گفت که وزارت مالیه مکلف است مخارج را که مجلس شورای ملی تصویب کرده است اگر یک وزارت

خانه مطالبه کند چشمش را هم بگذارد و بپردازد

وزارت مالیه البته مخارجی را که می پردازد باید بدانند مطمئن باشد که صحیح است و آن خرج باید بشود و موقع پرداختش شده یا خیر

اگر بگویند وزارت مالیه مکلف است تمام مخارج را بپردازد آنوقت وزارت مالیه مسئول صحت مخارج مملکت نخواهد بود

**رئیس -** آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود

بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه دولت مکلف است که مبلغ پنجاه هزار تومان از یکصدوسی و شش هزار هفتاد و دو تومان بودجه صحیح کل مملکتی را بتناسب اختصاص بصیغه ایالات و ولایات بدهد

**رئیس -** آقای روحی ( اجازه )

**روحی -** بنده توضیح بفرمایم خواهم بدهم همینقدر میخواهم عرض کنم که از این مبلغ صدوسی و شش هزار کسری یک دینار خرج صحیح هیچک از ولایات نمیشود یعنی تا این ساعت نشده است شاید بعد ها بشود

آقای وزیر فرمودند ولایات هم از این صیغه استفاده می کنند ولی اینطور نیست حتی سرم آبله هم برای ولایات نفرستاده اند و اگر فرستاده بودند قریب چهل هزار بچه در شهر کرمان نمی مرد

**بعضی از نمایندگان -** چهار هزار نفر

**روحی -** بلی مدترت میخواهم چهار هزار نفر ولی در تمام مملکت شاید چهل هزار از این مرض مرده باشند و گناه این مقصود این است که وزارت مالیه مخارجی را که قانونی است و پرداخت آن مانع قانونی ندارد آن مخارج را بپردازد البته همین طور هم هست و از پرداخت آن امتناع نخواهد کرد

ولی اگر مقصود این باشد که وزارت مالیه مکلف است یعنی ای نوع کان مخارجی را که مجلس شورای ملی تصویب میکند حتماً آن مخارج را بپردازد این غلط است

زیرا مخارجی که از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود یک اعتبار است ممکن است آن خرج بشود و ممکن هم است نشود و نمیشود گفت که وزارت مالیه مکلف است مخارج را که مجلس شورای ملی تصویب کرده است اگر یک وزارت

آینه است خود دولت وعده کرده در صورت تفصیلی بودجه سال آتی باین مسئله را تأمین کند

**رئیس -** رای می گیریم

آقایانی که این ماده الحاقیه را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه شد

خبر کمیسیون بودجه راجع به پیشنهاد آقای داور

(شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه پیشنهاد آقای داور نمائنده محترم را مورد مطالعه قرارداد تصدیق کمیسیون از قرار است که ذیلا پمیرساند نسبت به جزء اول پیشنهاد که وزارتخانه ها

مکلف هستند بودجه تفصیلی خود را موافق قانون استخدام تهیه نمایند

چون این توضیح را بدلائل کافی زائد میدانند نمیتوانند موافقت نمایند

نسبت به جزء دوم راجع به اول مقرری مستخدمین کشوری در دو تومانی و مقرری رتبه اول قضات در چهل و پنج تومانی بهمین ترتیب قبلا کمیسیون موافقت کرده و رای بر آن تقدیم شده

بنابر این کمیسیون بودجه راجع به ماده چهارده در عقیده سابق خود باقی خواهد بود

**رئیس** گرچه بیست و چهار ساعت قبل باید این خبر طبع و توزیع میشود ولی چون مطلب قابل مطالعه ندارد این است که قرائت شد رای میگیریم

دور ماده چهارده را بنده تقاضای تجزیه میکنم

**رئیس -** تقاضای تجزیه شده است رای گرفته میشود

قسمت (الف) مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری سی و دو تومانی و مقرری رتبه اول قضات چهل و پنج تومانی که این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد

قسمت دوم (ب) ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضات از اول حمل ۱۳۰۳ رای گرفته میشود با ورقه آقبانی که تصویب میکنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد

(اغذ واستخراج آرا بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

اسامی موافقین: آقا سید کاظم یزدی، شیخ العرافین زاده، شیروانی، سلطان العلماء، امین الشریعه، سید مجیدی، الدین، سید یعقوب، حائری زاده، تدین، صدرائی، روحی، سهام السلطان، میرزا شهاب الدین، الوئی، رئیسالتجار، حاج سیدالمحقق، اعتبارالدوله، لازرونی

آقایان: شیخ جلال الدین، حاج مشیر اعظم، سلیمان میرزا، اسامی مخالفین: صدیق السلطنه، دولت آبادی، آقا سید احمد، بهبهانی، سردار نصرت، سید الله خان اسکندری، یاسائی، ارباب، سردار متمد، شیر معظم، محمد ولی میرزا، افشار محمد شام، میرزا، سهرابی، علانی، میرزا جواد خان خونی، سردار منصور، ضیاء الملک، امیر احتشام، شیخ الاسلام، سید دار اعظم، اجاق، وکیل الملک، سهراب زاده، احتشام الحکماء، امیر اشرف، سید محمد علی شوشتری، سردار عشایر، تقی زاده، مصدق الملک، میرزا آقاخان، دیویان بیگی، شیخ عبدالرحمن، نصرت الدوله، متمد، السلطنه، عماد السلطنه، هرمزی، مشار اعظم، قائم مقام، مصدق السلطنه، دست قیوم، صولت السلطنه، سید مصطفی، داور، ضیاء الواعظین، حاج میرزا علی رضا رئیس، بلا تکلیف ماند

رای می گیریم به قسمت و مقرری کلبه مستخدمین کشوری و قضات در حدود اقل میزان مقرر آن رتبه آقبانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب نشد

آقای شیخ رئیس (اجازه)

**محمد هاشم میرزا -** آن قسمتی که در ابتدای این ماده نوشته شده است از اول میزان هذلسه سیچان نیل ۱۳۰۴ بقیه من این قسمت هم قابل زیرا همانطور که در قسمت الف مقرری رتبه اول مستخدمین شد چون این میزان هم معین کرده است که از اول میزان باشد بقیه من باید درش رای گرفته شود و در حقیقت مقصود این است که این ماده چهارده تجزیه شده باشد

**مخبر -** این اشکال حضرت والا وارد نیست

زیرا الان مجلس برخلاف رای برت کمیسیون بودجه رای داد به این ترتیب که در این قسمت شش ماه آخر سال هم مستخدمین میتوانند از حد اکثر استفاده کنند و دیگر این عبارت از اول میزان بپس از لزومی ندارد

**شاهزاده شیخ رئیس -** بنده خواستم تذکریدم

**وزیر مالیه -** اجازه فرمایند یک توضیحی عرض کنم در این قسمت که کمیسیون بودجه مقید کرده است بودجه ها را از اول میزان معین کنند من این نکته را خاطر نشان آقایان می کنم که این ترتیب اسباب زحمت خواهد شد و اگر این قید نباشد وزارت

خانه ها میتوانند صرفه جوئیهای را که در اول سال کرده اند آنها را بصرف آخر سال برسانند

این واسطه میتوانند یک قدری از عسرت بیرون بیاورند والا این ترتیب نتیجه دیگری نخواهد داشت و اگر آقایان یعنی آن کسانی که این رای را داده اند که از اول میزان نوشته شود

مقصودشان این بوده است که حقوقات و مخارج بموجب تصویبات مجلس شورای ملی پرداخته شود و اضافه بر آن چیزی نپردازند که همین طور هم است و بنده این را اطمینان میدهم که تا کنون هر نوع خرجی که شده است مطابق تصویب مجلس بوده و بدون تصویب مجلس است

بخرچی نرفته اند و فقط یک مخارجی که ممکن بوده است بکنند و نکرده اند وقتی بودجه تصویب بشود شاید بتوانند از آن راه جبران تصفیه که با آنها شده است بنمایند

بنده عقیده دارم یعنی دولت تقاضا میکند که این رای را مجلس ندهد و وزارت خانه ها را آزاد بگذارند بودجه سالانه شان را حاضر کنند

**رئیس -** خطاب بشاهزاده شیخ رئیس مقصودتان این پیشنهاد است؟

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم چون ماده چهارده چهار جزء دارد

(۱) بودجه از اول میزان

(۲) مقرری رتبه اول

(۳) ابتدای رتبه

(۴) حداقل حقوق لهذا تقاضایم یک جدا جدا مطرح و جدا جدا رای گرفته شود

شیخ رئیس - بلی چون این ماده چهار جزء و بنظر بنده لازم است رای گرفته شود

واگر توضیح آقای مخبر کافی است که بسیار خوب و الاجا جدا رای گرفته شود در هر صورت مقصود بنده رای گرفتن بود

**رئیس -** پیشنهادتان را بنویسید تا از آن روزی گرفته شود

**شیخ رئیس -** همین پیشنهادی که کرده ام تصویب شود

**رئیس -** بنده که درست ملتفت نشدم مقصودتان چیست مجدداً فرمایند

**شیخ رئیس -** عرض کردم بنده چهار جزء در این ماده چهارده دیدم یکی مقرری رتبه اول مستخدمین و قضات و یکی هم که راجع بقانون استخدام است که ابتدای رتبه های قانونی از اول حمل تکموز نیل است

یکی هم حداقل مقرری مستخدمین یکی هم که قسمت اول است راجع به اول میزان

است و برای اینکه درست معلوم شود بنده تقاضای تجزیه نمودم و بقیه بنده آن قسمت اول میزان هم قابل رای است و آقای مخبر توضیحاتی که دادند حاکی از آن بود که با دادن آن رای اولی دیگر اینجامتاج به رای نیست و همینطور ما هم که آقای وزیر مالیه شرحی بیان فرمودند و بنده عرض می کنم که اگر لازم نیست باول میزان رای گرفته شود که هیچ و اگر لازم است رای گرفته شود

**رئیس -** بلی صبیح است قسمت اول ماده چهارده قرائت میشود بعد رای میگیریم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده چهارده - کلیه وزارتخانه ها مکلف خواهند بود که بودجه تفصیلی خود را بادر در نظر گرفتن اصول ذیل از اول میزان هذلسه سیچان نیل ۱۳۰۴ تهیه نمایند

**رئیس -** مقصودتان این است که رای گرفته شود

**شیخ رئیس -** بلی

**وزیر مالیه -** اجازه فرمایند مقصود دولت این است که این جمله از اول میزان هذلسه صدق شود و آقایانی که موافق نیستند باید رای ندهند

**رئیس -** خطاب بشاهزاده شیخ رئیس حضرت والا میفرمایند این قسمتی که قرائت شد تجزیه شود یا بتامش رای گرفته شود؟

**شیخ رئیس -** اگر کمیسیون قبول میکند که هیچ والا باید در مجلس مطرح شده و رای گرفت

**رئیس -** آقای تدین (اجازه)

**تدین -** مقصود اضافه کردن این جمله از اول میزان این بود که آن هفت دوازدهم را مجلس بطور علی الحساب تصویب کرده بود و این اجزائی را که کمیسیون بودجه در این ماده تنظیم نموده است مقصودش این است که از اول میزان تا آخر هذلسه این ترتیب معلوم شود و هر چه مستخدمین ادارات بطور علی الحساب از بودجه هذلسه در حدود سال گذشته گرفته اند نسبت به آن چیزی کم نشود و باین جهت بود که گفته از اول میزان یعنی ششماه آخر سال واحد اقل بگیرند ولی شش ماه اول سال و بار سال را هم گرفته اند مال خودشان ولی این شش ماه آخر سال را نگیرند ولی چون آن ماده های آخر قابل توجه نشده است ورد شده است بنده تصور میکنم دیگر اول میزان مورد نداشته باشد

**رئیس -** باید رای گرفته شود

**رئیس التجار -** بنده مخالفم و راجع رتبه های قانونی از اول حمل تکموز نیل است

یکی هم حداقل مقرری مستخدمین یکی هم که قسمت اول است راجع به اول میزان

ندارم

**رئیس -** آقای رئیس التجار (اجازه)

**رئیس التجار -** بقیه بنده اگر از اول میزان باشد برای بودجه بهتر است زیرا ممکن است از این صرفه جوئیهای که دولت مینماید مثلاً خانواری و نیم عشر اوقاف را جبران نماید و اگر ما بخواهیم دست دولت را باز بگذاریم بقیه بنده اسباب اشکال خواهد شد و بضرر دولت یعنی بضرر بودجه تمام میشود

**مخبر -** چون آقایان اعضاء کمیسیون موافق هستند که این کلمه برداشته شود لهذا کلمه اول میزان را بنده پس میگیرم

**رئیس -** پس میگیرید؟

**مخبر -** بلی

**رئیس -** پیشنهادی هم شاهزاده سیچان نیل هم برداشته شود همان هزار و سیصد و سه کافی است

(مجدداً بشرح ذیل خوانده شد)

ماده چهاردهم - کلیه وزارتخانه ها مکلف خواهند بود که بودجه تفصیلی خود را بادر نظر گرفتن اصول ذیل از اول میزان هذلسه ۱۳۰۴ تهیه نمایند

**رئیس -** صبیح است؟

**مخبر -** بلی

**رئیس -** رای میگیریم به این ماده به ترتیبی که قرائت شد خطاب بشاهزاده شیخ رئیس چه فرمایند

**شیخ رئیس -** چون يك قسمت هائی است که بالاتکلیف مانده و باید مجدداً ورود بکمیسیون و بنده امیدام کمیسیون قبول میکنند یا خیر؟ و اگر آن قسمتها حذف شود اصول ذیل معنی ندارد

**رئیس -** يك قسمتش که قبول شده است و آنهم در واقع معنی اصول است

رای میگیریم به قسمت اول ماده چهارده به ترتیبی که قرائت شد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد

رای برت کمیسیون بودجه راجع بحقوق آقایان وزراء قرائت می شود

(بضمون ذیل خوانده شد)

کمیسیون بودجه پیشنهاد آقای یاسائی نمائنده محترم را راجع بتنزل حقوق وزراء بشصده تومانی و معاونین بشصده تومانی مورد مطالعه قرارداد و بدلائل لازمه که برای کمیسیون مکشوف بود پیشنهاد ایشان با اکثریت در وجه مقدمه خود در ضمن ماده الحاقیه برش مجلس میرساند

ماده الحاقیه - حقوق وزراء هذلسه سیچان نیل ۱۳۰۳ از قرارهای هفتصد و پنجاه تومانی و حقوق معاونین وزراء ماهیانه سیصد و پنجاه تومانی با استثنای معاونین وزارت

خارجه که ماهیانه چهارصد تومانی است

**رئیس -** آقای طهرانی (اجازه)

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** بنده تقاضای تجزیه میکنم نسبت به حقوق وزراء و معاونین

**رئیس -** بنویسید آقای متمد السلطنه (اجازه)

**متمد السلطنه -** بنده تقاضای تجزیه میکنم و راجع بحقوق معاونین هم مخالفم و عریضی هم دارم که در موقعش باید عرض کنم اگر حالا موقعش است عرض میکنم؟

**رئیس -** در موقع رای دادن باید تقاضای تجزیه کرد

**متمد السلطنه -** پس اجازه میفرمایند بنده عریضه را عرض کنم

**رئیس -** بفرمایند

**متمد السلطنه -** راجع بحقوق معاونین که کمیسیون بودجه قائل شده است حقوق معاونین در حدود سیصد و پنجاه تومانی باشد با استثنای حقوق معاون وزارت خارجه بنده مخالفم و مخالفتم هم از نقطه نظر چهارصد تومانی حقوق معاون وزارت خارجه نیست بلکه از این نقطه نظر است که بعضی وزارتخانه های دیگر شاید باشند و مقام هستند که کارشان از کار معاون وزارت خارجه بیشتر است و این اختصاصی از اینجا داده شده است که حقوق معاون وزارت خارجه باید بیشتر از سایر معاونین بکمیسیون و بنده امیدام کمیسیون قبول میکنند یا خیر؟ و اگر آن قسمتها حذف شود اصول ذیل معنی ندارد

**رئیس -** يك قسمتش که قبول شده است و آنهم در واقع معنی اصول است

رای میگیریم به قسمت اول ماده چهارده به ترتیبی که قرائت شد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد

رای برت کمیسیون بودجه راجع بحقوق آقایان وزراء قرائت می شود

(بضمون ذیل خوانده شد)

کمیسیون بودجه پیشنهاد آقای یاسائی نمائنده محترم را راجع بتنزل حقوق وزراء بشصده تومانی و معاونین بشصده تومانی مورد مطالعه قرارداد و بدلائل لازمه که برای کمیسیون مکشوف بود پیشنهاد ایشان با اکثریت در وجه مقدمه خود در ضمن ماده الحاقیه برش مجلس میرساند

ماده الحاقیه - حقوق وزراء هذلسه سیچان نیل ۱۳۰۳ از قرارهای هفتصد و پنجاه تومانی و حقوق معاونین وزراء ماهیانه سیصد و پنجاه تومانی با استثنای معاونین وزارت

اند بنده خیال میکنم چون مبدأ حقوقی برای معاونین تشخیص داده نشده است نمیشود این ایراد را کرد و بلاوه معاون وزارت خارجه يك تکالیفی دارد که باید مطابق آن تکالیف عمل کند و این طبقاً اضافه خرجی هم لازم خواهد داشت و این پنجاه تومانی اضافه خرج از نقطه نظر ادای آن تکالیف است و بنا بر این بنظر بنده ایرادی که چرا حقوق او چهارصد تومانی است و سایرین بشصده و پنجاه تومانی وارد نیست و در واقع این پنجاه تومانی بعنوان کمک خرج به ایشان داده میشود تا اینکه بتواند از هدهد آن تکالیف بر آید و تکالیف او این است که مثلاً با نمایندگان خارجه يك ملاقاتهایی باید بنماید و این اضافه برای این قبیل مسائل است که آقایان با همان مبلغ چهارصد تومانی موافقت فرمایند

**رئیس -** آقای طهرانی (اجازه)

**آقا شیخ محمد علی طهرانی -** بنده میخواهم تقاضای تجزیه بکنم بین حقوق وزراء و معاونین زیرا حقوق وزراء بنظر بنده در حدود سیصد و پنجاه تومانی کفایت میکند برای اینکه آن وقت که اتومبیل و وزراء نمیدانند با پانصد تومانی گذران میکنند ولی حالا که اتومبیل هم میدهند دیگر بیش از شصده تومانی لزومی ندارد و خاصه که صورت حرکت وزراء با وزراء پیش فرق کرده است و وزراء سابق همیشه بیست نفری همراه خودشان راه می انداختند ولی امروز يك تنه حرکت میکنند و بیش از شصده تومانی لازم نیست داده شود و اما نسبت به معاونین چون زحمات معاونین بیشتر از مدیران است بنده عقیده ام این است که بکلیه معاونین بلااستثناء سیصد و پنجاه تومانی داده شود و هیچ فرقی بین معاونین وزارت عدلیه و یامایه و با داخله و خارجه نیست و هر کدام آنها يك زحمتی دارند و همه آنها باید بيك نظر نگاه شوند و بيك ترتیب باشند پس از این جهت مخالف با پیشنهاد کمیسیون هستم که وزراء هفتصد و پنجاه تومانی بگیرند و باید وزراء غیر از آقای رئیس الوزراء شصده تومانی بگیرند و با اینکه اختصاص داده که معاون وزارت خارجه چهارصد تومانی بگیرد و سایر معاونین سیصد و پنجاه تومانی با این هم مخالفم بنظر بنده غیر منطقی می آید

بنابر این بطوری که ببقام ریاست پیشنهاد کردم معتقدم که باید وزراء شصده تومانی و معاونین آنها هر کدام سیصد و پنجاه تومانی بگیرند

**مخبر -** يك کلمه اینجا آقای طهرانی فرمودند که مخصوصاً میخواهم از ایشان استعلام کنم که این مسئله را اینقدر تکرار نفرمایند و آن مسئله اتومبیل است و وزراء همیشه باید اتومبیل سوار بشوند

و انشاء الله برای هر يك از و کلام اتومبیل تهیه کنند که سوار شوند و بنده اگر تمام ادارات هم اتومبیل سوار شوند مخالف نیستم این چه حرفی است که میگویند اتومبیل بوزراء میدهند اینرا بنده مایل نبودم در مجلس شورای ملی گفته شود و میل ندارم آن دلائلی را هم که کمیسیون داشت اینجادر مجلس علنی تمام عرض کنم

و اگر حقیقتاً شام با این قضیه مخالف بودید ممکن بود در موقعی که این مسئله در کمیسیون مطرح شد آنجا تشریف بیاورید تا ببینید دلائل اعضاء کمیسیون در تصویب این امر چه بود آنها هم بی جهت نرسیده و نهفته این مبلغ را تصویب نکردند

در این موضوع بنده میخواهم بیش از این چیزی عرض کنم شما هم هر طور عقیده دارید ممکن است نقیاً یا اثباتاً در موقع رای دادن عملاً اجابت فرمایند و مذاکره بیش از این در اینجا لزومی ندارد

**رئیس -** آقای تدین (اجازه)

**تدین -** عرضی ندارم

**رئیس -** آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی -** در جلسه که این موضوع مطرح بود بنده عرض کردم که ما نمیتوانیم در موضوع حداقل و اکثر مخارج وزراء وارد شویم

قطع نظر از این موضوع بنده عرض میکنم آقایان دراز است که ما ایرانی ها از زندگانی تجلی شکایت می کنیم وقتی که این شکایت را داریم آنوقت باید برگردیم و ببینیم از کجا باید شروع کنیم تا این زندگانی تجلی را تنزل بدهیم و اصلاح کنیم؟

بمقتضای الناس علی دین ملوکهم آن اشخاصی که در رأس مؤسسات این مملکت قرار گرفته اند هر طور زندگی می کنند آن زندگی در واقع يك دستوری برای زندگانی سایر افراد ملت و صلکت است

بنده خوب حس کرده ام که ما مردین تهران که بولایات میروند زندگانی تجلی را در سوقات همراه می برند و از این جهت تومانی بگیرند و با اینکه اختصاص داده که معاون وزارت خارجه چهارصد تومانی بگیرد و سایر معاونین سیصد و پنجاه تومانی با این هم مخالفم بنظر بنده غیر منطقی می آید

بنابر این بطوری که ببقام ریاست پیشنهاد کردم معتقدم که باید وزراء شصده تومانی و معاونین آنها هر کدام سیصد و پنجاه تومانی بگیرند

**مخبر -** يك کلمه اینجا آقای طهرانی فرمودند که مخصوصاً میخواهم از ایشان استعلام کنم که این مسئله را اینقدر تکرار نفرمایند و آن مسئله اتومبیل است و وزراء همیشه باید اتومبیل سوار بشوند

ندارم

**رئیس -** آقای رئیس التجار (اجازه)

**رئیس التجار -** بقیه بنده اگر از اول میزان باشد برای بودجه بهتر است زیرا ممکن است از این صرفه جوئیهای که دولت مینماید مثلاً خانواری و نیم عشر اوقاف را جبران نماید و اگر ما بخواهیم دست دولت را باز بگذاریم بقیه بنده اسباب اشکال خواهد شد و بضرر دولت یعنی بضرر بودجه تمام میشود

**مخبر -** چون آقایان اعضاء کمیسیون موافق هستند که این کلمه برداشته شود لهذا کلمه اول میزان را بنده پس میگیرم

**رئیس -** پس میگیرید؟

**مخبر -** بلی

**رئیس -** پیشنهادی هم شاهزاده سیچان نیل هم برداشته شود همان هزار و سیصد و سه کافی است

(مجدداً بشرح ذیل خوانده شد)

ماده چهاردهم - کلیه وزارتخانه ها مکلف خواهند بود که بودجه تفصیلی خود را بادر در نظر گرفتن اصول ذیل از اول میزان هذلسه سیچان نیل ۱۳۰۴ تهیه نمایند

**رئیس -** مقصودتان این است که رای گرفته شود

**شیخ رئیس -** اگر کمیسیون قبول میکند که هیچ والا باید در مجلس مطرح شده و رای گرفت

**رئیس -** خطاب بشاهزاده شیخ رئیس حضرت والا میفرمایند این قسمتی که قرائت شد تجزیه شود یا بتامش رای گرفته شود؟

**شیخ رئیس -** اگر کمیسیون قبول میکند که هیچ والا باید در مجلس مطرح شده و رای گرفت

**رئیس -** آقای تدین (اجازه)

**تدین -** مقصود اضافه کردن این جمله از اول میزان این بود که آن هفت دوازدهم را مجلس بطور علی الحساب تصویب کرده بود و این اجزائی را که کمیسیون بودجه در این ماده تنظیم نموده است مقصودش این است که از اول میزان تا آخر هذلسه این ترتیب معلوم شود و هر چه مستخدمین ادارات بطور علی الحساب از بودجه هذلسه در حدود سال گذشته گرفته اند نسبت به آن چیزی کم نشود و باین جهت بود که گفته از اول میزان یعنی ششماه آخر سال واحد اقل بگیرند ولی شش ماه اول سال و بار سال را هم گرفته اند مال خودشان ولی این شش ماه آخر سال را نگیرند ولی چون آن ماده های آخر قابل توجه نشده است ورد شده است بنده تصور میکنم دیگر اول میزان مورد نداشته باشد

**رئیس -** باید رای گرفته شود

**رئیس التجار -** بنده مخالفم و راجع رتبه های قانونی از اول حمل تکموز نیل است

یکی هم حداقل مقرری مستخدمین یکی هم که قسمت اول است راجع به اول میزان